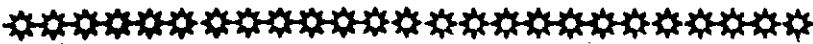


وابستگی به ماده



اگر وابستگی عامل رکود است چه فرقی است میان
تعلقات مادی و معنوی

آنچنانکه در برخی از مکتبه‌های فلسفی جدید که آزادی را رکن اساسی شخصیت انسانی می‌دانند چنین می‌بینیم. در این مکتبه‌ها شخصیت انسانی انسان را مساوی می‌دانند با **تلمذ و عصیان** و آزادی از هر چه درنگ تعلق پذیرد - بلااستثناء - و هر تقید و انقیاد و تسلیمی را برضد شخصیت واقعی انسان و موجب بیگانه شدن او با خودش و واقعیات می‌شمارند؛ می‌گویند انسان آنگاه انسان واقعی است و به آن اندازه از واقعیت انسان بهره‌مند است که فاقد تمکین و تسلیم باشد. خاصیت شیفتمگی و تعلق به چیزی این است که توجه انسان را به خود معطوف می‌سازد و آگاهی او را از خودش سلب می‌سازد و او را از خود می‌فراموشاند و در نتیجه این موجود آگاه آزاد که نامش انسان است و شخصیتش در این دو کلمه خلاصه می‌شود بصورت مو-

با اعتذار از خوانندگان محترم که بحث درباره «دنیاپرستی» در نهج البلاغه به‌دارازا کشید، مطلبی باقی مانده که نتوان از آن گذشت و لااقل به طور مختصر باید آنرا طرح کنیم.

آن مطلب اینست که اگر تعلق و وابستگی روحی به چیزی، نوعی بیماری و موجب محوارزشهای انسانی است و عامل رکود و توقف و انجماد به شمار می‌رود؛ چه فرقی میکند که آن چیز ماده باشد یا معنی، دنیا باشد یا عقیبی، و بالاخره خدا باشد یا خرما! اگر نظر اسلام در جلوگیری از تعلق به دنیا و مادیات، حفظ اصالت شخصیت انسانی و رهایی از اسارت بوده و میخواستسته انسان در نقطه‌ای متوقف و منجمد نگردد، می‌بایست به «آزادی مطلق» دعوت کند و هر قید و تعلق را «کفر» تلقی کند.

آزادی عرفانی دردی از بشر را دوامیکنند زیرا
آزادی نسبی است ، آزادی از هر چیز برای یک چیز
است ، اسارت بالاخره اسارت است و وابستگی
بستگی است عامل آن هر چه باشد .

آری این است اشکالی که در ذهن برخی از
طرفداران مکاتب فلسفی جدید پدید می آید .

ما برای اینکه مطلب را درست روشن کنیم ناچاریم
به برخی از مسائل فلسفی اشاره کنیم اولاً ممکن است
کسی بگوید : به طور کلی برای انسان نوعی
شخصیت و «خود» فرض کردن و اصرار به اینکه
شخصیت انسانی محفوظ بماند و «خود» انسانی
تبدیل به غیر «خود» نشود مستلزم نفی حرکت و
تکامل انسان است زیرا حرکت دگرگونی و غیریت
است ، حرکت چیزی بودن و چیز دیگر شدن است و
تنها در سایه توقف و سکون و تجمد است که یک
موجود «خود» خویش را حفظ می کند و به ناخود
تبدیل نمی شود و بعبارت دیگر از خود بیگانه شدن
لازمه حرکت و تکامل است از این رو برخی از قدامی
فلاسفه حرکت را به «غیریت» تعریف کرده اند .
پس ، از طرفی برای انسان نوعی «خود» فرض کردن
و اصرار داشتن به محفوظ ماندن این خود ، و تبدیل
نشدنش به «ناخود» ، و از طرفی از حرکت و تکامل دم
زدن : نوعی تناقض لاینحل است .

برخی برای اینکه از این تناقض رهایی یابند
گفته اند : خود انسان اینست که هیچ خودی نداشته
باشد و به اصطلاح خودمان انسان عبارت است از
«لا تعینی» مطلق ، حد انسان بی حدی و مرزایی-

جوودی ناخود آگاه و اسیر درمی آید . در اثر فراموش
کردن خود ارزشهای انسانی را از یاد می برد و در اسارت
و وابستگی از حرکت و تعالی بازمی ماند و در نقطه ای
را کد می ماند .

اگر فلسفه مبارزه اسلام با دنیا پرستی احمیای
شخصیت انسانی است ، می بایست از هر پرستشی و
از هر پابندی جلوگیری کند و حال آنکه تردیدی
نیست که اسلام آزادی از ماده را مقدمه تقید به معنی ،
و رهایی از دنیا را برای پابند شدن به آخرت
و ترک خرما را برای به دست آوردن خدای خواهد .
عرفان که به آزادی از هر چه رنگ تعلق پذیرد
دعوت میکند ، استثنائی هم در کنارش قرار نمیدهد .
حافظ می گوید :

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
مگر تعلق خاطر به ماه رخساری
که خاطر از همه غمها به مهر او شاد است

فاش می گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار
چکنم حرف دگر یاد نداد استادم !

از نظر عرفان از هر دو جهان باید آزاد بود اما
بندگی عشق را باید گردن نهاد ، لوح دل از هر رقم
باید خالی باشد جز رقم الف قامت یار ، تعلق خاطر
به هیچ چیز نباید داشت جز ماه رخساری که با مهر
او هیچ غمی اثر ندارد یعنی خدا .
از نظر فلسفه های به اصطلاح ادا نستی و انسانی

بر همه متون احاطه دارد .

انسان مانند همه موجودات دیگر در وسط این دو حاشیه قرار دارد نمی‌تواند فاقد هر گونه تعیین بوده باشد تفاوت انسان با سایر موجودات جهان در اینست که تکامل انسان حدیقف ندارد سایر مو - جودات در يك حد معین میمانند و از آن تجاوز نمی‌کنند ولی انسان نقطه توقف ندارد انسان دارای طبیعت وجودی است ولی برخلاف نظر فلاسفه اصالت ماهیتی که ذات هر چیز را مساوی با ماهیت آن چیز میدانستند و هر گونه تغییر ذاتی و ماهوی را تناقض و محال میدانستند و همه تغییرات را در مرحله عوارض اشیاء قابل تصور میدانستند طبیعت وجودی انسان مانند هر طبیعت وجودی مادی دیگر ؛ سیال است با تفاوتی که گفته شد یعنی حرکت و سیلان انسان حدیقف ندارد ؛ برخی از مفسران قرآن در تعبیرات و تأویلات خود آیه کریمه **یا اهل یشرب لامقام لکم بها راه یشرب** انسانیت حمل کرده‌اند گفته‌اند این انسان است که هیچ مقام معلوم و منزلت گاه مشخص ندارد ، هر چه پیش برود باز میتواند به مقام بالاتر برود و فعلی کاری به این جهت نداریم که آیا حق چنین تأویلاتی در آیات قرآن داریم یا نداریم مقصود اینست که علمای اسلامی انسان را این چنین میشناخته‌اند در حدیث معراج آنجا که جبرئیل از راه بازمی‌ماند و میگوید يك بندانگشت دیگر اگر نزدیک مردم میسوزم و رسول خدا بازم پیش میرود ، رمزی از این حقیقت نهفته است و باز چنانکه میدانیم علمای اسلامی درباره صلوات که ما موظفیم و جو با یا استحباباً بر - رسول اکرم و آل اطهار او درود بفرستیم و از خداوند

مرزی و قید او بی قیدی است انسان موجودی است فاقد طبیعت ، فاقد هر گونه اقتضاء ذاتی ، بی رنگ و بی شکل و بی ماهیت ؛ هر حد و هر مرز و هر قید و هر طبیعت و هر - رنگ و شکلی که به او تحمیل کنیم خود واقعی او را از او گرفته‌ایم .

این سخن به شعر و تخیل شبیه تر است تا فلسفه ، لاتعینی مطلق و بی رنگی و بی شکلی مطلق ، تنها به یکی از دو صورت ممکن است یکی اینکه يك موجود ، کمال لایتناهی و فعلیت محض و بی پایان باشد یعنی وجودی باشد بی مرز و حد ، محیط بر همه زمانها و مکانها و قاهر بر همه موجودات ، آنچنانکه ذات پروردگار چنین است ، برای چنین موجودی حرکت و تکامل محال است زیرا حرکت و تکامل عبور از نقص به کمال است و در چنین ذاتی نقص فرض نمی‌شود .

دیگر اینکه يك موجود فاقد هر فعلیت و هر کمال بوده باشد ، یعنی امکان محض و استعداد محض و - لافعلیت محض باشد همسایه نیستی و در حاشیه وجود واقع شده باشد ، حقیقتی و ماهیتی نداشته باشد جز اینکه هر حقیقتی و ماهیتی و هر تعینی را می‌پذیرد ؛ چنین موجود با آنکه در ذات خود لاتعین محض است همواره در ضمن يك تعیین موجود است و با آنکه در ذات خود بی رنگ و بی شکل است در پناه يك موجود رنگدار و شکلدار است این چنین موجود همان است که فلاسفه آنرا هیولای اولی و یا ماده‌المواد می‌نامند هیولای اولی در مراتب نزولی وجود در حاشیه وجود قرار گرفته است همچنانکه ذات باری تعالی در مراتب کمال ، در حاشیه دیگر وجود قرار گرفته است با این تفاوت که ذات باری تعالی حاشیه‌ای است که

گونه مسئولیت است .

اکنون می‌توانیم به سخن اول خود برگردیم آیا حرکت و تکامل مستلزم از خود بی‌خود شدن است ؟ آیا هر موجودی یا باید خودش خودش بماند و یا باید راه تکامل پیش گیرد ؟ پس انسان یا باید انسان بماند و یا منحول و متکامل گردد و تبدیل به غیر انسان گردد ؟

پاسخ اینست که حرکت و تکامل واقعی یعنی حرکت يك شیء به سوی غایت و کمال طبیعی خود ، و به تعبیر دیگر حرکت از راه مستقیم طبیعت و خلقت به هیچوجه مستلزم این نیست که خود واقعی آن موجود تبدیل به خود دیگر گردد و آنچه خود واقعی يك موجود را تشکیل میدهد «وجود» او است نه ماهیتش ، تغییر ماهیت و نوعیت به هیچوجه مستلزم تبدیل خود به ناخود نیست صدر المتألهین که قهرمان این مسئله است تصریح میکند که انسان نوعیت مشخص ندارد مدعی است که هر موجود متکامل ، در مراتب تکامل ، «انواع» است نه نوع ، رابطه يك وجود ناقص با غایت و کمال طبیعی خود ، رابطه يك شیء با يك شیء بیگانه نیست بلکه رابطه خود با خود است ؛ رابطه خود ضعیف است با خود واقعی ، آنجا که شیء به سوی کمال واقعی خود در حرکت است از خود به سوی خود حرکت میکند و به تعبیری میتوان گفت از ناخود به خود حرکت می‌کند . تخم گیاهی که در زمین می‌شکافد و از زمین می‌دمد و رشد میکند ساقه و شاخه و برگ و گل میدهد از خود

بقیه در صفحه ۶۸

برای آنها رحمت بیشتر طلب کنیم ، این بحث هست که آیا صلوات برای رسول اکرم که کاملترین انسان است میتواند سودی داشته باشد ؟ یعنی آیا امکان بالارفتن برای رسول اکرم هست ؟ و یا صلوات صدر به نفع صلوات فرستنده است و برای ایشان طلب رحمت کردن از قبیل طلب حصول حاصل است .

مرحوم سید علیخان دريك جای شرح صحیفه این بحث را طرح کرده است گروهی از علما راعقیده بر اینست که رسول اکرم دائماً در حال ترقی و بالارفتن است و هیچگاه این حرکت متوقف نمی‌شود . آری اینست مقام انسان ، آنچه انسان را این چنین کرده است «لا تعینی محض» او نیست بلکه نوعی تعین است که از آن به فطرت انسانی و امثال این امور تعبیر میشود .

انسان مرز و حد ندارد اما راه دارد ، قرآن روی راه مشخص انسان که از آن به صراط مستقیم تعبیر میکند تکیه فراوان دارد انسان مرحله ندارد به هر مرحله برسد نباید توقف کند امام دارد دارد یعنی در يك مدار خاص باید حرکت کند ، حرکت انسان در مدار انسانی تکامل است نه در هر مدار دیگری مثلاً مدار سنگ و خوك ، و نه در خارج از هر مداری یعنی و نه در هر ج و مرج .

از اینرو به حق براگزینستانسیالیسم که میخواهد منکر هر نوع تعین و رنگ و شکل برای انسان بشود و هر تقیدی (ولو تقید به مدار و راه خاص) را بر ضد انسانیت انسان می‌داند و تنها بر آزادی و بی‌قیدی و تمر دو عصیان تکیه می‌کند ، ایراد گرفته‌اند که لازمه این فلسفه ، هرج و مرج اخلاقی و بی‌تهدی و نفی هر-

ترجمه قرآن مجید

به زبانهای زنده دنیا

مسلمان فارسی نقل شده که بسم الله الرحمن الرحيم را بنام یزدان بخشاینده ترجمه کرده است .
 درباره ترجمه های قرآن به زبانهای اروپائی باید گفت که دارای سابقه نسبتاً طولانی است ، چون اسلام از همان بدو ظهور با دنیای مسیحیت تماسهایی داشت و یکی از مظاهر مهم آن، مباحثاتی بود که میان دانشمندان دو مذهب پیش میآمد . دانشمندان مسیحی مواجه با این امر بودند که دسته دسته عیسویان مصر و شام و حتی کشیشان و بزرگان یونانی چون یوحنا حلقدونی *Nian John the Chalcedon* راهب سیئنا با اسلام گرویده و بروی همکشیشان سابق خود شمشیر کشیده اند ؛ این بود که بمتظور شکست اسلام از هیچ تلاشی باز نمی ایستادند ؛ کتب و رسائل مختلفی درباره اسلام تدوین شد که نمونه آنها تاریخ یوحنا نیکیتی *John of Nikiu* بود . یوحنا دمشقی (۶۷۵ - ۷۴۹ م .) اسلام و بیت پرستی

کمتر زبان زنده ای است که امروز قرآن بدان ترجمه نشده باشد و سالی نمیگذرد که ترجمه تازه ای یگونه تازه تری از این کتاب مقدس رخ ننماید .
 آنطور که گفته اند : قرآن مجید تا کنون بیش از ۱۲۰ بار به بیش از یکصد زبان مختلف در جهان ترجمه شده است . البته پاره ای از این ترجمه ها بعللی شهرتی نیافته و یا حتی بیچاپ نرسیده است ولی بعضی از آنها شهرت فراوان یافته و بارها چاپ شده است که از جمله آنها میتوان ترجمه جورج انگلیسی را یاد کرد که تا کنون ۳۴ بار بطبع رسیده است . گفتگویی نیست که ترجمه های اروپائی یا بطرفداری و برای اشاعه کلام الهی بوده و یا از نظر گاه مخالفان و احياناً از روی دشمنی و برای رد اسلام صورت گرفته است . . .
 ولی ترجمه قرآن به زبانهای بیگانه از همان صدر اسلام سابقه داشته و نمونه آن حدیثی است که از

گردید .

«پیر» خیلی سریع اعلام داشت که هدف او از اینکار تبلیغات بر ضد اسلام است .

خوب روشن است که چنین اثری را تا چه حد میتوان ترجمه کامل و درستی بحساب آورد ؟
حق با کسانی است که آنرا تلخیصی دانسته اند مشحون از اغراض و نظرات خاص ، ولی معذک مسیحیت طی پنج قرن ، مستقیم و غیر مستقیم در مشاجرات بیهوده اش بر ضد اسلام از همین کتاب استفاده کرد .

در سال ۱۵۹۴ هنکلمان Hinckelmann ترجمه ای انتشار داد که بر اثر آن در سال ۱۵۹۴ چاپ مارا کچی Maracci انجام گرفت .

در سال ۱۱۴۳ یکنفر انگلیسی موسوم به روبرت راتینی همراهی هرمان آلمانی قرآن را بلفنت لاتین ترجمه نمود . این اثر چهارصد و چند سال مخفی بود ، تا در ۱۵۴۳ بوسیله تئودر بی بلیاندر ؛ در باسل Basl بطبع رسید و پس از آن بزبانهای ایتالیائی و آلمانی و هلندی نقل شد .

در سال ۱۶۹۸ لوئی مارکی قرآن را به لاتین ترجمه نمود ، البته بضمیمه بعضی ملاحظات و بامتن عربی آن . این ترجمه در پادوا Padova یکی از شهرهای ایتالیا بچاپ رسید .

کونسول ژنرال فرانسوی که ترکی و عربی را میدانست ، در مصر قرآنرا به فرانسه ترجمه نمود و در سال ۱۶۴۷ در پاریس چاپ شد .

پس از آن ترجمه های فرانسه توسط ساواری ، کازیمیر یسکی و پوتیه در سالهای ۱۷۸۳ ، ۱۸۴۰ ،

را در هم میامیزد و ظهور اسلام را علامتی از علامات دجال می شمارد .

ثوفانس Theophanes متوفای ۸۱۷ م نیز درباره تاریخ اسلام مطالبی دارد که بی ارتباط با عقاید یوحنا دمشقی نیست .

دامنه تألیفات درباره اسلام گسترش یافت و نویسندگان اروپائی در پی نوشتن رد بر اسلام بودند .
قیصر بازنلیوس Basileios متوفی ۸۸۶ م ، نیکتاس Niketas را ؛ مأمور کتابی بر رد اسلام کرد .

در این کتاب میان عقاید نصاری و قرآن کریم مقابله ای شده و حاوی ترجمه هایی از آیات قرآن کریم است . این ترجمه های جسته و گریخته ، اندک اندک جای خود را به ترجمه کاملی داد . تا آن موقع کتب لغت و فرهنگهای عربی و لاتینی نیز تنظیم یافته بود .

* * *

نخستین بار تمام قرآن بزبان لاتین بهمت پیرل و نرابل Pierre le venerable (۱۰۹۲ -

۱۱۵۶ م) کشیش کلونی Cluny ترجمه شد . این کشیش طی مسافرتی که میان سالهای ۱۱۴۱ و ۱۱۴۳ میلادی به اسپانیا کرد ، گروهی را تحت

رهبری یکنفر انگلیسی بنام Robertus rethenensis تشکیل داد . همکار اصلی «روبر» یک کشیش دیگر بنام «هرمان» بود . این دو کشیش عربی و لاتینی را بخوبی میدانستند ولی کار خود را با برآز عقیده درباره بعضی از آیات قرآنی منحصر کردند . . .
اینکار چهار سال قبل از دومین جنگ صلیبی انجام

مکتب اسلام

در آوردند .

در سال ۱۵۴۷ آنرا با ایتالیائی ترجمه کردند . این ترجمه متعلق به آکیلیو فراکاسی از معلمین مدرسه صنایع «میلان» (از شهرهای ایتالیا) است . نخستین ترجمه قرآن بلفظ انگلیسی ، یادگار آلکساندر روسی میباشد و پس از آن باید از ترجمه سیل یاد نمود ؛ این نسخه در ۱۷۳۲ طبع شده و با مقدمه‌ی مبسوطی بقلم مترجم شروع میشود ، در حواشی این نسخه قسمتهائی از «تفسیر بیضاوی» مندرج است .

ترجمه‌ی رودول Rodvell که سوره ها را بترتیب تاریخ و اوقات نزول قید نموده اهمیت بسیار دارد ،

هنری پالمرو که در زبان عرب تبصره داشته ، با اهتمام دقیق در حفظ معانی اصلی ، قرآن را بانگلیسی ترجمه کرده و در سال ۱۸۳۳ بطبع رسانید .

و بالاخره در سالهای ۵۵ - ۱۹۵۳ آرتور - آربری قرآنرا در دو جلد بانگلیسی ترجمه نمود و در لندن منتشر کرد .

ترجمه‌ی معروف «بلاشر» قابل ذکر و یادآوری است ، رژی بلاشر از مستشرقان بنام فرانسوی است که سالیان دراز در مصر ، سپس در دانشگاه سوربن و مدرسه «السنة شرقی» پاریس تدریس میکرد . او قرآن را در دو جلد ترجمه نموده و به انضمام مقدمه‌ای در سال ۱۹۵۹ در پاریس چاپ گردیده است ، بلاشر در میان خاورشناسان سعی کرده بیطرفی و بیطرفی نشان دهد و بهمین دلیل ترجمه

شماره ۷ سال ۱۴

۱۸۴۱ : ۱۸۵۲ و ۱۸۷۵ طبع و نشر گردید .

در قرن سیزدهم ، آلفونس دهم ، پادشاه اسپانیا حکم کرد سوره «مراج» بزبان اسپانیول *EsPagnol* ترجمه شود و دون ابراهیم طیب این خدمت را انجام داد . ولی باید دانست که اسپانیاییها و یونانیها با اینکه چندین قرن با مسلمین مجاور و معاشر بوده اند ؛ معلوم نیست ترجمه تمام قرآن را داشته باشند !

نخستین ترجمه‌ی آلمانی ، مأخوذ از لاتین بود و سپس ترجمه‌ی سگوثر در نورنبرگ و ترجمه‌ی فردریک مرزلین در فرانکفورت ، چاپ شد .

میگویند بهترین ترجمه های آلمانی ترجمه بویسن و تازده ترین آنها از آن اولمان است که از سال ۱۸۵۳ تا بحال چندین مرتبه بچاپ رسیده است .

نولدکی مستشرق مشهور میگوید: در میان ترجمه های آلمانی ، نسخه‌ای بدست نمیآید که در صحت و اتقان بتراجم انگلیسی شبیه باشد .

ترجمه‌ی هلندی قرآن کریم نخست در سال ۱۶۴۱ در هامبورگ و بعد ترجمه‌ی کلاسماک در سالهای ۱۶۵۸ ، ۱۶۹۸ ، ۱۷۳۴ در لیدن طبع گردید . بهترین ترجمه هلندی قرآن مجید اثر دکتر کازیر استاد شرع اسلامی دارالفنون دلفت *Delft* (از شهرهای هلند) میباشد که در ۱۸۰۶ در هارلم (*Haarlem* از بلاد کشور هلند) چاپ شده است .

در سال ۱۷۷۶ قرآن را در پتروگراد (*Petrograd*) پایتخت سابق روسیه (بزبان روسی

شده است .

بزرگان پشتو و گجراتی

میگویند قرآن کریم بزرگان پشتو (۲) و گجراتی (۳) نیز ترجمه شده است اما معلوم نیست کس این سخن تا چه اندازه مقرون به تحقیق و صحت باشد!

بزرگان چینی

دولت چینی ، شرحی برای قرآن هست که آنرا دونفر بنامهای فارزنگ و بودات انجام داده اند .

بزرگان ژاوه

در سال ۱۹۱۳ شخصی از اهل ژاوه (۴) که خود را «خادم سلطان عثمانی» مینامید قرآن را بزرگان ژاوه ترجمه کرد .

بزرگان بنگالی

در سال ۱۹۰۸ و ویلیام گلود ساک، قرآن را بزرگان بنگالی (۵) درآورد .

بزرگان ترکی

در زمان سلطنت عبدالحمید (۶) قرآن ترکی ترجمه شد ، اما انتشار آن ممنوع گشت ! در ۱۳۲۰ هجری نسخه ای نفیس از ترجمه ی ترکی

اورا یکی از بهترین ترجمه ها بحساب آورده اند ، مقدمه ی آنهم در جای خود بسیار سودمند است : منتهی او در کار ترتیب آیات قرآنی روشی برگزیده که خالی از نظرات شخصی نیست . . .

* * *

قرآن بزرگان عبری

معروف است قرآن بزرگان عبری ترجمه های مختلف دارد ، از « دائرة المعارف یهود » چنین برمی آید که برخی از اقسام این ترجمه ها در کتابخانه « بوده لیان » آکسفورد به شماره ۱۲۲۱ موجود است . یعقوب بن اسرائیل رئیس روحانی زنتی در ۱۶۳۴ قرآن را به عبری ترجمه نمود .

بزرگان اردو

قدیمترین ترجمه های لغات شرقی قرآن ، ترجمه شیخ عبدالقادر پسر شاه ولی الله است که بلفت اردو در دهلی طبع شده است . در سال ۱۳۱۵ هجری ، دکتر عمادالدین در آمریستر Amistr هند قرآن را بزرگان اردو ترجمه کرده و نشر داد .

بزرگان مالای

تفسیر بیضاوی که جمله بجمله محتوی شرح و معانی قرآن مجید است بزرگان مالای (۱) چاپ

۱ - Malaye ، زبان هند شرقی و نیز زبان يك قسمت از جزایر اقیانوسیه

۲ - ۳ - از لغات عمده هندوستان

۴ - Java جزیره ای بزرگ واقع در اقیانوسیه و متعلق به دولت هلند - مسلمان زیاد دارد .

۵ - Bengale ، یکی از قطعات وسیع هندوستان

۶ - سلطان عبدالحمید ثانی (۱۸۴۲ - ۱۹۱۸) ، سلطان عثمانی که در سال ۱۹۰۹ معزول گردید

در اسلامبول منتشر گردید . (۷)

بزبان چك

روزنامه المجهوريه چاپ قاهره نوشت در پراك (مرکز چكسلواکی) ، قرآن کریمی به زبان عربی و با ترجمه به زبان چك ، منتشر شده است . مترجم قرآن جدید ، دکتر هیربک نام دارد که ۲۰ سال برای ترجمه دقیق کتاب آسمانی مسلمانان کوشیده است .

خبرگزاری چكسلواکی اعلام کرد در مقدمه قرآن جدید ، خلاصه ای از اصول عقاید اسلامی و شرح حال پیامبر اسلام دیده میشود . (۸)

* * *

قرآن به صد زبان

دکتر محمد حمیدالله حیدر آبادی استاد سابق دانشگاه حیدرآباد هندو دانشگاه پاریس و استاد فعلی دانشگاه استانبول ترکیه در حدود هشت سال قبل اعلام داشت (۹) که : قرآن مقدس تاکنون در جهان به بیش از صد زبان ترجمه شده است . او پیش از این اعلام کرد که تنها در ترکیه قرآن مجید از

طرف متجاوز از صد نفر و بیش از صد بار بزبان ترکی ترجمه شده و در زبان فارسی وارد نیز رقم مشابهی برای ترجمه های قرآنی بدست میآید . او افزود که قرآن مقدس بیش از پنجاه بار به انگلیسی و در حدود چهل بار از طرف مترجمان به لاتین ترجمه شده است .

دکتر حمیدالله گنت : من در سال ۱۹۵۹ میلادی موفق شدم که قرآن را بزبان فرانسه ترجمه کنم .

نخستین چاپ ترجمه من از این کتاب مقدس در دوازده هزار جلد منتشر شد که بلافاصله نسخه های چاپ اول در عرض دو هفته نایاب گشت و سپس در همانسال در پانزده هزار نسخه تجدید چاپ شد . . .

و هم اکنون این ترجمه برای بار سوم چاپ میگردد . من در این ترجمه مقدمه ای درباره : تاریخ تدوین قرآن مجید ؛ و چگونگی محفوظ ماندن آن از هر گونه تحریف و دستبرد در طول قرن ها و همچنین فهرستی از ترجمه های قرآن بزبان های اروپایی آورده ام . . .

۷ - مجله بهار سال دوم ؛ شماره ۵ مورخ صفر ۱۳۴۰ هجری ، تاریخ القرآن - ابو عبدالله زنجانی تاریخ قرآن - دکتر محمود رامیار

۸ - کیهان ۲۳ بهر ماه ۱۳۵۹

۹ - هفته نامه اسلامی Radianee چاپ دهلی نو - ماهنامه المسلمون چاپ ژنو ترجمه سیدهادی خسروشاهی در شماره ۸ سال ۷ مجله مکتب اسلام



اوستا

در قبرستان

خاموش تاریخ

از کتاب اوستا چه میدانید؟ آیا اثری از آن باقی است؟

در تاریخ «طبری» و «مسعودی» و دیگر از مورخان اسلامی «بستاه» (۹)، «ابستاق» و «افستاق» ضبط شده است. (۱۰)
در معنی این کلمه نیز دانشمندان توافق کلی ندارند. (۱۱) بعضیها آنرا به معنی «پناه» و برخی به مفهوم «دانش و معرفت»، عده‌یی بمعنی

اسم «اوستا» Avesta مانند کلمه «زردشت» در زبان پارسی؛ اشکال و صورگوناگون دارد.
چون: استا (۱)، اویستا (۲)، بستاق (۳)، ابستاق، ابستاغ (۴) ایستا (۵)؛ آبستا (۶)، است (۷)؛ افستا؛ ایستا (۸)، ازهمه معروفتر در فرهنگهای فارسی معاصر «اوستا» است.

- (۱) برهان قاطع در همین واژه (۲) بیان‌الادیان ص ۱۷ (۳) مجمل التواریخ و القصر ص ۱۲
- (۴) برهان‌درواژه ایستا (۵) انجمن آرای ناصری در همین واژه (۶) مجمل‌التواریخ ص ۱۱-۳۲
- (۷) گاتها : ص ۴۶ (۸) ادیان بزرگ جهان ص ۱۳۵ (۹) مروج‌الذهب ج ۲ ص ۱۲۴ التنبیه و الاشراف ص ۸۲ (۱۰) تاریخ طبری ص ۴۰۲-۴۰۳ (۱۱) گوهرهای نهفته : مراد اورنگ تهران ۱۳۴۴

درست باشد آنوقت «اوستا» بعد از «ریک وید» بر
همنان و «تورات» یهودیان، کهنترین کتاب دنیا
است» (۱۳)

مستشرق معروف آلمانی تیل Tiele می نویسد.
زمان اوستا را پائین تر از هشتصد سال پیش از مسیح
نمی توان قرارداد» (۱۴)

وحتی از حیث تحقیقات لغوی : «تمام قسمتهای
ایسن کتاب دریک زمان نوشته نشده و لااقل درسه
مرحله متوالی آمده است .

«گاتها که مجموعه ای از سرودهای مذهبی
است قسمت اصلی این کتابست و پس از آن قسمتهای
قدیم و سپس قسمتهای جدید فراهم شده است» (۱۵)
بسیاری از دانشمندان و محققان اروپایی از قبیل
«آبسه فرانسواو : Abbe Francois» معتقدند
که : اوستا تا سده ششم و یا هفتم میلادی؛ تا زمان
ساسانیان همچنان سینه به سینه حفظ شده و در آن
زمان به کتابت درآمده و باخط اوستائی که اختراع
همان زمان است کتابت یافته» (۱۶)

بعضی از نویسندگان معتقدند که : «اوستا»
قبلا در زمان هخامنشیان نوشته شده بود ، بعدها
به دست تپاول زمان ودشمنان ، مفشوش شد و از
میان رفت ، اما در زمان ساسانیان اوستای از میان
رفته فراهم گردید . (۱۷)

«متن» و دیگران عقایدی دیگر ، ابراز کرده اند
اما امروزه آن چه که طرفدار زیادی دارد، آنست
که کلمه «اوستا» به معنای اساس و متن اصلی
است . (۱۲)

«اوستا» مجموعه متون مذهبی زردشتیان ، هر
چاکه ذکر شده بالفظ «زند» و «پازنده» ردیف شده
است و باید دانست که «زند» تفسیر است برای
«اوستا» که بزبان پهلوی بدست «زردشت» نوشته
شده و «پازنده» نیز شرحی برای «زند» است
با اصطلاح شرح شرح است که بوسیله خود «زردشت»
نگاشته شده است و بعد از «زردشت» توسط علمای
زردشتی شرح و تفسیری بر شروح «اوستا» نگارش
یافته که آنرا «بارده» می نامند .

«اوستا» کهن ترین نوشته ایرانیان است ،
تمام اختلافات و اشکالات و تضادهای فراوانی که
در باره افسانه «زردشت» موجود است ، همه آنها
به اضافه اشکالات دیگر ، در باره «اوستا» نیز
بچشم می خورد . یکی از موارد مبهم؛ تاریخ نگارش
«اوستا» است که بستگی به تعیین زمان خود «زردشت»
دارد ، اما از آنجا که هنوز هیچیک از مورخان و
دانشمندان و مستشرقان نتوانسته اند زمان «زردشت»
را بدلائل تاریخی قطعی ثابت کنند، لذا تاریخ
و قدمت اوستا نیز نامعلوم مانده است . بقول
بعضیها : «اگر بر فرض تاریخ سنتی ۶۶۰ ق . م

(۱۲) ادیان بزرگ جهان ص ۱۳۵ : هاشم رضی : تهران ۱۳۴۴

(۱۳) و (۱۴) گاتها : پورداد صفحه ۴۵

(۱۵) تاریخ تمدن ایران در عهد ساسانی : سعید نفیسی ص ۵۰

(۱۶ - ۱۷) ادیان بزرگ جهان : هاشم رضی ص ۱۳۷ - ۱۳۸ : ایران در زمان ساسانیان ص ۱۶۲ .

زردشت باستانی صفحه ۱۱۲

از این کتاب «اوستا» را نوشتند، یکی از آنها را هنگامی که اسکندر در قصر «پرسپولیس» آتش افکند سوخت و نسخه دیگر را یونانیان فاتح با خود بیرون بردند و آنرا ترجمه کردند» (۲۱)

و در نامه «تیسر» (هیربدان هرید) شاه طبرستان (مازندران) نیز بدان اشاره شده، آنجایی نویسد: «میدانی که اسکندر کتاب دین ما، دوازده هزار پوست گاو با سخر بسوخت»

و نیز در یکی از آثار دینی زردشتیان در باره کتابخانه بر گهای اوستا مطالبی است بدین مضمون: «زند اوستا که در روه، پوستهای گاو بخط زرنوشته شده بود در در استخر پایگان بود در دفتر خانه، اهریمن پتیاره شوم، اسکندر بدکنش را بر آن داشت که آنرا بسوزاند» (۲۲)

روی این اصل در روایات اصلی زردشتی از اسکندر، بعنوان «اسکندر ملعون رومی» یاد شده است که بخواهش بکزن پلید سبب کشتار و باعث از بین رفتن کتب مقدس زردشتی و ویرانی تخت جمشید گردید. بدین ترتیب طبق تصریح خود زردشتیان و مورخان در سال ۳۳۰ قبل از میلاد متن اصلی کتاب زردشت از بین رفته و در سال ۲۲۶ بعد از میلاد اردشیر بابکان امر بتدوین آن نموده است یعنی

مؤلف کتاب «ایران در عهد باستان» می نویسد: «کتاب «اوستا» در آغاز امر، پیش از حمله اسکندر کتابی عظیم بوده است پلینیوس: Palinus، مورخ رومی که در قرن اول میلادی می زیست، می نویسد که: «هرمی پوس Hermippos» مورخ یونانی برای شرح عقاید زردشت از کتاب او که در بیست مجلد و حاوی صد هزار بیت بوده، استفاده کرده است، در صورت صحت این مدعا اوستا کتاب بزرگی بوده است» (۱۸)

مورخان اسلامی نیز از عظمت و بزرگی این کتاب یاد کرده و نوشته اند که: «اوستای دوره هخامنشیان بخط زرین بر روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو دباغی شده نوشته شده بود» (۱۹)

«مسمودی» مورخ معروف و جمعی دیگر از مورخان اسلامی نقل کرده اند که: «اسکندر» بعد از فتح استخر «تخت جمشید» این کتاب و دیگر آثار دینی زردشتیان را ضمن سوزاندن مراکز مهم و از جمله پایگانی جمشید، بسوزانید بعد از آنکه مطالب علمی آنرا از طب و نجوم و فلسفه یونانی ترجمه کرد و بیونان فرستاد (۲۰).

در روایات دینی زردشتیان نیز باین حقیقت تصریح شده است: «ویشناسب دستور داد تا دونسخه

(۱۸) ایران در عهد باستان ص ۶۷

(۱۹) مروج الذهب ج ۱ ص ۲۲۹ طبری ج ۱ ص ۴۰۳ - کامل ابن اثیر ج ۱ ص ۱۴۶ - فارسنامه:

ابن بلخی ص ۵۰

(۲۰) التنبیه والاشراف: مسمودی صفحه ۸۰

(۲۱) ازپاوردی: تاریخ تمدن و پیل دورانت ج ۱ ص ۵۳۹ - زردشت باستانی ص ۱۱۱

(۲۲) مجله هنر و مردم شماره ۷۲ ص ۶۲ - سبک شناسی: بهار ج اول صفحه ۹

آوری اوستای پراکنده پرداختند فقط ۳۴۸ فصل بدست آمد که آنرا هم به ۲۱ نسل تقسیم کردند. (۲۶)

دانشمند انگلیسی «وست» : West « ۲۱

نسل ساسانیان را به ۳۴۵۷۰۰ کلمه تخمین کرده و از این جمله امروز ۸۳۰۰۰ کلمه در اوستای فعلی موجود و بقیه از بین رفته است (۲۷)

کیخسرو «مؤلف» «فروع مزدیسنی» که خود زردشتی است می نویسد : « جای هیچ بحث نیست که در عصر اسکندر در اسطرخر فارس کتابخانه بزرگ و معروفی که شامل همه قسم کتب دینی و دنیوی روحانی و جسمانی وجود داشته ، اسکندریا از روی غیظ یا غرض و عناد یا در حال مستی امر بسوزاند آنها کرد. سپس اضافه می کند : پس از آنکه کتابخانه بامر اسکندر سوخته شد دوره ای بیش از ۵۵۰ سال امتداد پذیرفت و در آن مدت تمام اغتشاش و بی سیاستی و بی ترتیبی در امور مملکت داری بوده و بعد از این دوره بامر سلاطین ساسانی رقعات باقی مانده از کتب زردشت هم جمع آمد و صورت کتابی پذیرفت » (۲۸)

«جان ناس» مؤلف «تاریخ جامع ادیان» می نویسد : کتاب زردشتیان اوستاست و آن مجموعه بی

بیش از ۵۵۰ سال زردشتیان کتابی نداشتند، مگر اینکه « بقول پورداد » در سینه فناپذیر پیروان زردشت محفوظ مانده بود !» (۲۳)

از دارمستتر Darmesteter «نویسنده کتاب: Zend Avesta» نقل شده که تمام «اوستا» بعد از تسلط اسکندر به ایران و آتش سوزی او، در فاصله قرن اول تا قرن چهارم میلادی نوشته شده بعدها یکجا گردآوری گردیده است. (۲۴)

«پورداد» در این باره می گوید : « آنچه در سنت زردشتیان و آنچه عموماً در کتب پهلوی مسطور است اینست که اوستای هخامنشیان را اسکندر بسوخت ، بخصوصه مندرجات «دینکرده» راجع به اوستا بسیار مهم است از حیث مطالب سر آمد کتب پهلوی است ؛ صراحتاً می گوید :

اوستائیکه در دست داریم آن کتاب مقدس قدیم نیست تا بان اندازه ای که مؤبدان عهد ساسانی کلام مقدس را در حافظه داشتند همان اندازه جمع آوری شده (۲۵)

صاحب نظران و محققان میگویند : «اوستای هخامنشیان به ۲۱ کتاب منقسم می شد و دارای ۸۱۵ فصل بوده است و در عهد ساسانیان وقتیکه بجمع

(۲۳) گاتها ص ۴۴

(۲۴) کتاب مزبور ج ۳ صفحه ۵ بنقل عقاید و آراء بشری ص ۳۸۸

(۲۵) گاتها : ص ۵۱

۲۶ سبک شناسی : مرحوم ملک الشعرای بهار ج ۱ ص ۹

(۲۷) بنا بنقل پورداد در کتاب گاتها ص ۵۰ - اوستا : جلیل دستخواه در پیشگفتار - ذوالقرنین :

ابوالکلام آزاد

(۲۸) فروع مزدیسنی تألیف کیخسرو و شاهرخ کرمانی

بسته بود از آسیب روزگار محفوظ نماند از نامه
باستان با آنهمه بزرگی که داشت امروز فقط
۸۳ هزار کلمه در اوستای کنونی بیادگار ماند و نه
بخش اصلی و نه بترکیب و ترتیب
دیرین» (۳۰)

باتوجه به آنچه در باب محکمترین و مهمترین
مدارك آئین مزدیسنا Mazdayasna یعنی
کتاب «اوستا» گذشت ، معلوم می شود که چقدر
آئین زردشتی بی پایه و بی اساس و از حقیقت دور
است زیرا : در صورتیکه «اوستا» خود قرارگاهی
ندارد با اینوصف زیربنای تمامی معتقدات و مبانی
زردشتی قرار گرفته است بقول معروف : «خانه
از پای بست ویران است» روی این اصول بحث از
چگونگی عقاید و احکام خرافی این آئین بیهوده
است .

می باشد که کم و بیش از مطالب مختلف که بدون
ارتباط و انصاف باهم آمیخته شده و در حقیقت باقی
مانده از مجموعه بزرگتری از یک ادبیات باستانی و
که سال است که قسمت عمده آن ازمیان رفته و نابود
شده» (۲۹)

کوتاه سخن آنکه کسانی که «زردشت» را پیغمبر
می دانند حتی يك صفحه از اوستا که سلسله سند آن به
زردشت برسد ، در نزد آنان یافت نمی شود . می-
گویند : اوستا رقعہ رقعہ سطر سطر از کلمات
منسوب بزردهشت جمع آوری شده است و نمی دانند
که اینها چگونه بایکدیگر مربوط می باشند و حتی
بجز «گاتها» بقیه را نمی توان به «زردشت» نسبت
داد .

چنانکه به این حقیقت «پورداد» هم تصریح کرده
می گوید : «اوستا که در سینه فناپذیر پیروان آئین
مزدیسنا و یاروی چرم ستوران و کاغذ سست بنیان نقش

(۲۹) تاریخ جامع ادیان : جان ناس : علی اصغر حکمت ص ۳۰۰

(۰) گاتها ص ۴۴

آتش خشم

الْفَضْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ ، الْعَسَلُ :

خشم ، ایمان را تباه می کند چنانکه سرکه ، طعم شیرین عسل را از

بین می برد .

از سخنان امام صادق (ع)

نیروئی که در پیروزیهای ما اثر اعجاز آمیز دارد

انسان بدخلق از هر گناهی که خارج می شود به گناه دیگری
گرفزار می گردد!

اکمل الناس ایماناً احسنهم خلقاً؛ با ایمان-
ترین مردم خوش اخلاق ترین انسان
است (۱)

رسول اکرم (ص)

حقیقت در وجود خود مانهفته است .
ما می توانیم با قدری تأمل و اندیشه صحیح ، با
بکار بستن قدرتی که خود دارای آن هستیم خوشبخت-
ترین مردم باشیم ،
ما برای خوشبخت بودن آفریده شده ایم و خدای
مهربان همه موجبات سعادت را در وجود ما فراهم
کرده است .

همه مردم دوست دارند که در جامعه ، مسود
محبت و علاقه دیگران باشند ، همه خواهان خو-
شبختی و سعادتند ، هر کس در هر رشته و صنفی که
هست برای کسب پیروزی و موفقیت خود میکوشد ،
و همه به دنبال «اکسپر» خوشبختی می گردند که
به وسیله آن بتوانند به آرزوهای خود در اجتماع دست
یابند ، ولی این اکسپر در جای دیگری نیست و در

به از شیرینی ازدست ترشروی. امام باقر (ع) فرمود خوش خلق بودن و گشاده رویی وسیله جلب محبت مردم و تقرب به پروردگار جهان است و ترشروی و بد خلقی، موجب سرزنش مردم و دوری از خدای جهان می باشد (۱)

و بگفته مورس مترلینگ: «همانطور که بشر برای تندرست بودن به وجود آمده است برای خوشبختی نیز آفریده شده است و این هم مسلم است که خوشبختی او معلول خوش خلقی و مهربانی او نیست به دیگران است»

افرادی هستند که در هر صورت چهره‌ای بازویر-خوردی کاملاً انسانی دارند و آنچنان به آداب اخلاقی مؤدب هستند که نمی‌توانند غیر از آن باشند ولی افرادی هم هستند که باید مجاهده نمایند و با عاداتهای ناپسند خود مبارزه کنند تا بتوانند در ملاقاتها و معاشرت‌های خود حسن خلق را رعایت نمایند، اسحق بن همار میگوید: امام صادق (ع) فرمود: «خلق نیک عطیه و بخشش بزرگ الهی است که بر بندگانش بخشیده است در برخی از مردم چیزی سرشت آنان است و برخی دیگر باید پاسمی و اراده خود به دست آورند گفته: کدام یک برترند؟ فرمود: در عده نخست این صفت برای آنان فطری است و غیر از آن نمی‌توانند باشند ولی گسائیکه با تلاش و کوشش و استقامت این صفت را به دست می‌آورند برترند» (۲) پس همه میتوانیم این صفت

این ماهستیم که گاهی با کارهای نابخردانه و بر خورده‌های غلط، زندگی خود را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کنیم. این ماهستیم که باقیافه عبوس و چهره گرفته خود، مردم را از خویشتن متنفر و منزجر می‌سازیم و در نتیجه، با پیروزی و سعادت فاصله می‌گیریم.

حسن خلق و گشاده رویی یکی از بارزترین صفات انسان است که در معاشرت‌های اجتماعی و نفوذ در دلها؛ اثر شگفت‌انگیزی دارد.

حسن بر خورد و چهره باز، مردم را بی اختیار بسوی انسان جلب می‌کند؛ همه افراد حتی ستمگران، در مقابل خوش خلقی مجذوب می‌گردند، دیده‌اید گاهی در ملاقات‌های اتفاقی، ناخود آگاه تحت تأثیر شخص ناشناسی قرار می‌گیرید و مجذوب اومی-گردید؟ شما نیستید که مجذوب اوشده‌اید، بلکه اوست که با نیروی اعجاز آمیز حسن خلق تا اعماق قلب شما نفوذ کرده است شما هم که ذاتاً از نیکبها و خوبیها لذت می‌برید قهراً تحت تأثیر صفات پسندیده او قرار گرفته‌اید.

مردم اخلاق پسندیده را به هر قیمتی باشد می‌خرند و از کج خلقی بی‌اندازه منزجرند و بسیار اتفاق می‌افتد که حتی حاضر نیستند به صورت انسان ترشروی بشگرند.

سعدی شیرازی قضاوت مردم را زیبا بیان کرده است: اگر حنظل خوری ازدست خوشروی -

(۱) بحار الانوار ج ۷۸ ص ۱۷۶

(۲) کافی ج ۲ ص ۱۰۹

خوش خلق بودن از زامنی بودن انسان حکایت میکند و خوشبختی در زندگی، به رضایت و خوشنود بودن بستگی دارد، آری خوش خلقی دل و جان ما را گرم و چهره ما را نورانی و شاد می‌سازد، و عالیترین مسیر را برای نفوذ در قلوب اجتماع، برای ما هموار میکند.

همانطور که حسن خلق در روح و جان انسان تأثیر عمیقی دارد، در سلامت تن و جسم نیز اثر غیر قابل انکاری می‌بخشد از نظر طب و بهداشت مسلم است که خوش خلقی، تنفس را راحت نموده جریان خون را تنظیم میکند و عمل گوارش را آسان و کار تغذیه را بهتر می‌سازد، اطباء به غالب بیماران دستور میدهند هنگام عصبانیت و کج خلقی، غذا نخورند زیرا در آن صورت غذا به جای آنکه مفید باشد بر اثر زیادی ترشح « اسید » بصورت سمی خطرناک درمی‌آید.

خوش خلقی دارای تأثیر درمانی عجیبی است در تسکین همه دردها مؤثر است، معالجهٔ بیماریها را تسریع می‌کند و بر اثر هم آهنگ ساختن فعالیت‌های جسمانی و روانی، مانع گسیختگی تعادل می‌گردد چهره را جوان و شاداب نگه می‌دارد، یکی از شرایط لازم برای یک پرستار لایق، داشتن حسن خلق است زیرا او با خوش خلقی خود، ارزنده ترین داروی روحی را برای بیمار تهیه کرده است.

را به دست آورده خود را با این نیر و مجهز نمایم. نخستین هدیه‌ای که میتوانیم ب مردم بدهیم این است که در برخورد اول باروی باز و چهره‌ای گشاده از آنان استقبال کنیم علی (ع) می‌فرمود: **البشر اول البر (۱)** گشاده روئی نخستین نیکی و هدیه است.

رسول اکرم (ص) فرمود: **« حسن خلق دوستی‌ها را پایدار می‌سازد و چهرهٔ شاد؛ دشمنیها را از میان می‌برد » (۲)** و در مورد دیگر فرمود شما نمیتوانید همه مردم را با بخشش مال و ثروت جلب نمائید این هدف را با گشاده روئی و چهرهٔ باز که سرمایه‌ای تمام نشدنی است تأمین کنید، (۳)

اثر خوش خلق؛ در جسم و جان

زندگی انسان معمولا با ناراحتیها، غمها و پیش آمدهای ناگوار آمیخته است اگر خود را دستخوش این پیش آمدها نمائیم زندگی برای ما به جهنمی سوزان مبدل میگردد، ما میتوانیم با بکار بستن حسن خلق، با همه آنها مبارزه کنیم و آرامش و راحتی خیال را در پرتو حسن خلق به دست آوریم، خوش خلقی، انسان را همیشه شادمان نگه میدارد و او را از زیانهای فراوان عصبانیت، تندی، غمها، و هیجانها؛ و اضطرابها حفظ میکند.

(۱) غرر الحکم

(۲) بحار الانوار

(۳) کافی ج ۲ ص ۱۰۳

جامعه تنها می‌گذارد ، همه از او متنفر و منزجر می‌گردند و افراد خانواده او آرزوی مرگ وی را میکنند ، فکر و روح و جسم و جان او را نیز مسموم می‌کند چنین کسی از هیچ چیزی در دنیا لذت نمیبرد ، حتی بهترین غذاها ، همچون زهری کشنده از گلوی او سرازیر می‌شود ، اعمال حیاتی او را مختل ساخته و به دستگاه گوارش لطمه جبران ناپذیری میزند

آدم کج خلق در هر لحظه به ناراحتی تازه‌ای مبتلا می‌شود پیامبر اکرم (س) به علی (ع) فرمود:
برای هر گناهی تو به و بازگشتی است؛ جز کج خلقی، زیرا انسان بد خلق از هر گناهی که خارج میشود به گناه دیگری گرفتار می‌گردد. (۲)

روی این اصل مواظب باشید حتی در حال غذا خوردن با نشاط و حسن خلق از غذاها استفاده نمائید در پشت جلد کتاب : «خندان و گشاده رو باشید، نوشته شده : «نهال پر بار خوش خلقی را آبیاری نموده به ثمر برسانید تا اولاً وضع کنونی خود را بهتر سازید ثانیاً برای دیگران مفید و سودمند واقع شوید .

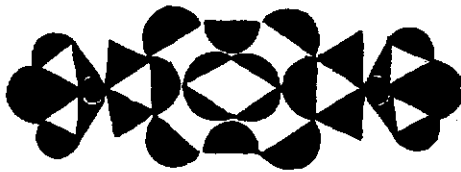
خوش خلقی به پیشرفت امور، کارهای شخصی و اجتماعی کمک می‌نماید و از مشقتها و سختیهای آن میکاهد ، و بازده آنرا می‌افزاید و می‌توان با کمک آن از عهده حل هر مشکلی برآمد .
 در هر خانواده‌ای که خوش خلقی حکومت نکند زندگی برای افراد آن جز نکبت و رنج چیز دیگری نخواهد بود .

در هر صورت اگر میخواهید کانون خانواده شما به سعادت مبدل گردد ، اگر میخواهید مورد احترام و محبت همگان قرار گیرید ، اگر می‌خواهید در اجتماع به آرزوهای معقول و مشروع خود برسید ، خود را از این نظر بسازید و این صفت عالی را تحصیل کنید .

پیامبر اسلام (س) به علی (ع) فرمود: برخورد و اخلاق خود را ، با افراد خانواده ، با همسایگان و با هر کس که معاشرت می‌کنی و با هر شخصی که دوستی داری ، نیکو گردان و با آنان ، با حسن خلق رفتار نما که در این صورت در پیشگاه الهی مقام عالی خواهی داشت (۱)
 و برعکس بد خلقی علاوه بر اینکه انسان را در

(۱) کتاب الاربعین و صایا النبی ص ۶

(۲) مدارك قبل ص ۴



فلج کودکان



یا

بیماری پولیومیلیت

بیماری فوق العاده خطرناکی که قابل پیشگیری است

می‌سازد. ویروس این بیماری ممکن است از راه هوا بوسیله تنفس از طریق بینی و یا دهان وارد بدن انسان بشود.

این ویروس پس از آنکه وارد دهان شد از آنجا بدستگاه گوارش راه می‌یابد و در یاخته‌های پوششی روده‌ها جایگزین می‌شود و بر رشد و تولید مثل خود ادامه می‌دهد و همچنین هر گاه ویروس این بیماری به یاخته‌های عصبی «نخاع شوکی» و یا مغز راه یابد در داخل آنها نیز به رشد و تکثیر خود ادامه می‌دهد و از یاخته‌های عصبی تغذیه می‌کنند. بنابراین مستقیماً یاخته‌های عصبی را خراب می‌کنند و بطور غیر مستقیم نیز عده دیگری از یاخته‌های عصبی ضایع

این بیماری که نام دیگرش پولیومیلیت (۱) است چون غالباً کودکان را مبتلا می‌کند با اسم فلج کودکان نامیده میشود و الا بزرگسالان نیز از آن در امان نیستند.

عامل مولد این بیماری «ویروسی» بسیار ریزی است (۲) و برای رشد و نمو خود باید داخل یک یاخته زنده بشود و در داخل آن تولید مثل بنماید و ویروس این بیماری معمولاً از راه دهان وارد بدن انسان می‌شود: خواه بوسیله غذا و خواه بوسیله دست‌های آلوده. دست آلوده در موقع غذا خوردن و یا بهر علت دیگری که دست با دهان تماس بگیرد انسان را آلوده

(1) Poliomyelitis

(2) Virus

می شود .
 اگر عده ای از یاخته های بافت های بدن کاملاً خراب شوند دوباره ترمیم می یابند مثلاً اگر قسمتی از پوست بدن بریده شد، و از بین رفت خود بخود ترمیم می یابد و دو طرف پوست بریده بهم می رسد و همچنین در استخوان های شکسته و ماهیچه های بریده شده و غیره، این عمل انجام میگیرد ولی متأسفانه اگر

یاخته های عصبی از بین بروند ترمیم مجدد امکان پذیر نیست اما اگر یاخته های عصبی صدمه ببینند و کاملاً از کار نیفتند گاهی قادر خواهند بود که کار عادی خودشان را از سر بگیرند علت فلج شدن اعضای بدن نیز در اثر از کار افتادن دائم و یا موقت یاخته های عصبی است .

اقسام ویروس های فلج کودکان : این ویروس ها بر سه قسمند و هر سه نوع، بیماری با علائم مشابه تولید میکنند ولی متأسفانه بدن در مقابل دو تایی دیگر ایمنی پیدا نمی کند .

خوشبختانه تمام کسانی که مبتلا به این بیماری می شوند فلج نمی گردند بلکه عده بسیار کم و محدودی از مبتلایان دچار این نوع عارضه می شوند. و حتی عده زیادی باین بیماری مبتلا می شوند بدون اینکه خود از آن آگاه باشند زیرا علائم بیماری در آنان بسیار سبک است یا اگر کسالتی هم پیدا کنند ! تصور مینمایند که سرما خورده اند اما این چنین اشخاصی براحتی می توانند بیماری خود را بدیگران سرایت دهند .

اگر ویروس بیماری به سلسله مرکزی اعصاب یعنی مغز و مغز حرام نرسد ایجاد فلج نخواهد کرد

آنست که بیماری فلج کودکان به آنان منتقل نمیشود. باید نبض؛ حرارت؛ دفعات تنفس، و طرز تنفس بیمار را در نظر گرفت و یاد داشت نمود باید بیمار بمقدار لازم غذا بخورد و مایعات بنوشد.

۳ - به محض اینکه دردهای عضلانی بر طرف شد باید از (فیزیوتراپیست) ها (۱) کمک گرفت که بوسیله گرما و ورزشهای لازم ماهیچههای ضعیف شده را تقویت کنند و با حرکت دادن مفاصل از تغییر شکل آنها جلوگیری نمایند در صورتیکه بیمار احتیاج به چوب زیر بغل و صندلی چرخ دار و یا وسایل دیگر داشته باشد فیزیوتراپیست کمک و راهنمایی لازم را خواهد کرد.

پیشگیری: خوشبختانه برای پیشگیری این بیماری مایه مؤثر وجود دارد که بصورت تزریقی و هم بصورت خوراکی موجود است این مایهها باعث تشکیل (بادزهر) در بدن شده و هر وقت ویروس بیماری بانسان حمله کند آن را از بین خواهد برد بنابراین بر مادران لازم است که جگر گوشگان خود را بر ضد این بیماری مصون سازند.

در صورت بروز علائم و عوارض؛ رسیدگی فوری به بیمار، ممکن است حیات بخش باشد.

معالجه: درمان این بیماری باید تحت نظر دقیق پزشک باشد باید بیمار در رختخواب استراحت کند و پرستاری دقیق از وی بعمل آید. در موارد شدت بیماری، بیمار در بیمارستان بستری شود. بهر حال وضع آینده بیمار به نکات زیر بستگی دارد:

۱ - تشخیص سریع که با هوشیاری مادر و حذاقت و مهارت پزشک امکان پذیر است.

۲ - پرستاری و مواظبت دقیق از بیمار. مادر و یا پرستار باید بوضع بیمار کاملاً دقیق بشود و جزئیات آن و همچنین شدت و ضعف بیماری را مرتباً به پزشک گزارش دهند. باید بیمار را از سایر کودکان و افراد خانه جدا کرد و در بیمارستان نیز در اطاق تنها بستری نمود. اینکار هم به حال بیمار مفید است و هم به حال سایرین. فایده برای بیمار از این نظر است که بدن رنجور ناتوان وی که مستعد به ابتلا به بیماریهای گوناگونی است بوسیله دیگران آلوده نمیشود و فایده برای دیگران

(1) Physiotherapist

تملق

بناخن سنگهای خاره سفتن
پیام حکم قتل خود شنفتن
بنزد مرد مان سقله گفتن
(سید علی یزدی)

بزرگان خاکهای راه رفتن
به بی تقصیری اندر حبس تاریک
مرا خوشتر بود از یک تملق

خطرات جسمی و



روانی انحرافات جنسی



نظریه يك روان پزشك با سابقه در این راه

گرچه بعضی از «پزشکان بی خبر» و «روانشناسان غیر محقق» سعی دارند که عمل زشت و شوم و استمنا را در نظر برخی از جوانان بی ضرر جلوه دهند؛ اما ناهم‌های فراوانی که از مبتلایان به ماریسید، و مشاهدات حسی و خارجی؛ کاملاً گواهی می‌دهد که این سخن در واقع يك نوع انکار حقایق حسی؛ و اغفال مسلم جوانان است.

مقاله مستدل و محققانه‌ای که ذیلاً از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد و اقتباس از مقاله یکی از روان‌پزشکان معروف (آقای دکتر چهارازی) در شماره ۱۳ مجله دانشمند است، شاهد مدعای ما است.

* * *

ورمی‌سازد.

سابقاً تحت تأثیر «تربیت مذهبی و آداب و رسوم اجتماعی» ، نوجوانان پای‌بند به اصولی بودند که به هنگام روبرو شدن با غریزه جنسی ، سختی و فشار را بر خود هموار می‌کردند و با خویشن‌داری کمتر در صدد تحریک جنسی بر

نوجوانان با مسائل غامضی روبرو هستند که از آن جمله « موضوع جنسی» است در حقیقت در این مرحله از سن که تأیلات جنسی بخود شکل می‌گیرد و نوجوان پس از یک دوره کنجکاوی ، به واقعیت این غریزه آگاه می‌گردد و هر گونه تشویق و تحریک جنسی آتش شهوت را در نهاد نوجوان شعله.

مکتب اسلام

می آمدند .

ولی امروز مناظر سکسی در کوچه و خیابان و منزل و آگهی های تبلیغاتی و مشاهده عکسهای لخت و مجلات و روزنامه ها و فیلم های سینمایی و تلویزیونی و داستانهای سرگرم کننده ، در بیدار کردن و برانگیختن و تحریک این غریزه اثر فوق العاده ای دارد و در نتیجه در زندگی جدید ، نوجوان با تمایلات شدید و طغیانگر جنسی دست بگریبانند .

در این گیر و دار است که نوجوان بسبب بی-ش-آمدی با ارائه طریق وسیله هم سن و سالها؛ یاد خواب و مانند آن دچار انزال می شود و چون از آن لذت می برد ؛ در صدد تجدید عوامل آن بر می آید و کم کم به استمناء منجر شده و مشکل بزرگی در زندگی نوجوان پدید می آید .

برخی از پزشکان و روان شناسان معتقدند استمناء يك امر طبیعی است و نیاز به آنرا نزد انسان و حیوانات يك امر عادی تصور می کنند .

ولی این افراد غافلند که اگر این کار تکرار شود ، و به دفعاتی چند در هفته برسد باعث چه زیان هایی از نظر رشد جسمی و روانی نوجوان خواهد شد (و متأسفانه معمولاً این عادت تدریجاً شدت می یابد و چون وسائل آن به آسانی در دسترس نوجوان قرار دارد زود؛ به آن معتاد می شود و به دفعات متعددی در فواصل کوتاه منتهی می گردد)

عواقب شوم این عادت زشت و ناتوانی

جنسی

با بررسی هایی که در سالهای اخیر صورت گرفته مخصوصاً با بررسیها و مطالعاتی که ماروی متجاوزازدو هزار جوان نموده ایم مسلم گردیده است که موضوع استمناء را نباید ساده و بی ضررتلقی نمود (دقت کنید)

برای روشن شدن این مطلب لازم است بدو فیزیولوژی غدد جنسی را متذکر شویم :

یکی از نشانه های بلوغ ، ترشح «منی» از سلولهای غدد بیضه ها می باشد هر قطره منی دارای ملیونها تخم نر «اسپرماتوزوئید» و مایع لزج مخصوصی است که از غده های بیضه ترشح می شود و بوسیله مجرای منی وارد کیسه منی که در پشت کیسه مثانه ج-ای دارد ، می گردد .

کیسه منی تدریجاً پرمی شود و قسمتی از آن جذب بدن می گردد و در رشد و نمو اندام نوجوان مؤثر است و محرك تمایلات جنسی می باشد ولی قسمت عمده آن باید تخلیه شود و در راه تولید مثل به کار رود .

در جوانانی که خود را کمتر در معرض تحریکات جنسی قرار میدهند و معتقدات مذهبی و بهداشتی آنها را از تحریکات نادرست باز میدارد، هنگامیکه کیسه منی پر شد معمولاً در موقع خواب بصورت احتمالی دفع می گردد و تعادل بیولوژیکی برقرار می شود و از این رو هیچگونه نگرانی در مورد آنان نیست .

اما نزد جوانانی که عوامل تحریک جنسی فراوان است و در مجرمیت به سر میبرند ، تشبث به استمناء تنه راه فراغ خاطر پنداشته می شود و چون آرامش

(البته وحشت و نگرانی و دستپاچی نوجوان در این حالت خود نیز عامل تشدید آن خواهد بود در حالی که اگر عادت زشت خود را بکلی ترك گوید و - و نسردي خود را حفظ کند و عادت خوبی را جانشین آن عادت سازد کاملاً درمان پذیر خواهد بود)

اختلالات جسمی در مبتلایان به استمناء
 نکته مهم دیگر که در اینجا باید بدان توجه داشت اینکه : همانطور که گفتیم قسمتی از مواد مترشحه جنسی (منی) جذب بدن می شود و سبب رشد و نمو نوجوان می گردد ؛ نه تنها در رشد و نمو جسمی او مؤثر است بلکه در رشد روانی او نیز اثر بسیار دارد .

هنگامیکه بر اثر استمناء مکرر این مواد بیرون می ریزد گذشته از پیدایش اختلال در رشد کامل جنسی ، لاغری ، ضعف شخصیت ، ضعف اراده ، کمی قدرت ، حجب بسیار و کمروزی و تقلیل نیروی روانی را سبب می گردد برای روشن شدن این دو موضوع بدنیست به چند نمونه از گفتار مبتلایان که پس از ازدواج ناکام شده اند ؛ یا از همسر خود لذت نمی برند یا به سرد مزاجی و ناتوانی جنسی گرفتار هستند توجه کنیم :
 جوان متأهلی اظهار میداشت : « همسرم راتماً سرحد پرستش دوست دارم ولی متأسفانه از معاشرت باوی لذت نمی برم و این امر را رنج میدهد . »

بانوئی میگفت : « سه ماهست که ازدواج کرده ام اما نمیدانم چرا در نظر شوهرم مانند يك تکه چوب

خود را پس از هر تحريك در استمناء می بیند غالباً این عمل تکرار می گردد ، و هنگامیکه تکرار شد و به هفته ای چند بار (یا بیشتر) رسید وضع روانی و جنسی نوجوان از حال طبیعی دگرگون خواهد شد و به اختلال نظم در مدار جنسی که علامت مهم آن **ناتوانی جنسی** است دچار می گردد .

توضیح اینکه : هنگامیکه ارضای غریزه جنسی از راه طبیعی و ازدواج صورت میگیرد نوجوان از طریق مشاهده و لمس و سایر حواس مرکز تحریکات جنسی او در مغز ، برانگیخته شده و از جهت فیزیولوژی تأثیراتی که از چشم و لمس و مانند آن به مراکز مغزی منتقل می گردد انعکاس جنسی را می سازد و عمل جنسی بصورت طبیعی انجام میگیرد .

امادرمورد استمناء قضیه کاملاً برعکس است و این راه دگرگون میشود و تخیل و تصور مناظر خاص و لمس موضعی ، جانشین عوامل تحریک طبیعی می گردد و باین طریق يك سیستم انعکاسی انحرافی در مدار جنسی ایجاد می شود .

هنگامیکه این عمل تکرار گردد و انعکاس انحرافی ، در وجود جوان تثبیت شود سبب می گردد که وقتی بخواهد عمل جنسی را بطور طبیعی انجام دهد نتواند زیرا سیستم طبیعی راه ارضای غریزه جنسی در او مختل شده است و همین دلیل خود را در کامیابی طبیعی به هنگام ازدواج ناتوان می بیند .

این کیفیت شدیداً او را متقلب و ناراحت می سازد و تکرار آن سر از یکنوع ناراحتی روانی بیرون می آورد و ادامه آن شخصیت روان او را تحت تأثیر قرار میدهد .

مکتب اسلام

خشک هستم .

مرد جوانی اظهار میداشت که : « از هنگام بلوغ ، مکرراً این عمل زشت را انجام میدادم بعداً در تماس با همسر توفیقی حاصل نمیکند اما هنگامیکه تنها هستم فکر و خیال مرا تحریک میکند . »

دو نفر جوان دیگر هنگام مراجعه اظهار میداشتند و بعلت تکرار این کار از آمیزش با همسر خود عاجزند و از این باب سخت شرم منده اند .

جوان دیگری اظهار میداشت که « شش ماه است همسر خود را عقد کرده اما متأسفانه بعلت ابتلا به این عادت بد ؛ توفیقی بدست نیاورده و کامیاب نشده است . »

این نکته نیز لازم به تذکر است که **جوانان گوشه گیر و عزلت طلب** بیشتر در معرض ابتلا به این عادت زشت هستند و به همین دلیل لازم است جوانان از گوشه گیری بی دلیل پرهیزند و با انتخاب دوستان خوب و با ایمان برای خود این عامل را از میان بردارند .

* * *

ضعف شخصیت و وسواس

ضرر دیگری که از این عادت زشت دامن جوانان را میگیرد این است که غالب آنها پس از انجام این کار نادم و پشیمان میشوند و با خود عهد و میثاق مؤکد می بندند که این عمل را تکرار نکنند اما متأسفانه پس از آرام شدن موجبات این کار ، آنرا تکرار میکنند .

این توالی و تکرار « ندامت » و « اقدام » ؛ روان آنها را به شدت آزار میدهد و سبب میشود که نوجوان به ضعف شخصیت و اراده و شك و تردید و وسواس و « تورز جنسی » دچار گردد .

گوناگون سخن اینک : عمل استمناء با منحرف

ساختن سیستم انعکاس روانی در مسائل جنسی ، احساس لذت و توانائی را مختل می سازد و چه بسا که به پیدایش وهم و ترس و سرافکنندگی و عقده حقارت و اختلال شخصیت منجر می شود و از این گذشته به رشد جسمی جوانان نیز ضربه وارد می سازد (پایان مقاله آقای چهارازی)

* * *

یادآوری لازم - : برای جلوگیری از بروز این خطرات باید نوجوانان و جوانان در عین اینکه ترس و وحشت و دستپاچگی بی جهت بخود راه ندهند ، باشند و جدیت و امیدواری کامل باین عادت شوم به مبارزه برخیزند .

نخست کوشش کنند که وسائل تحریک مصنوعی از قبیل عکسهای لخت ، رمانهای عشقی ؛ فیلمهای گمراه کننده سینما ، مطبوعات مبتذل را از دسترس خود خارج سازند و با تصمیم و همت گرد آنان نگردند .

سپس با انتخاب دوستان خوب و پرهیز از گوشه گیری ، و حتی خوابیدن در اطاق تنها ، و انتخاب ورزشهای مفید و سرگرمیهای سالم ، اوقات فراغت خود را پر کنند بطوریکه وقت بیکار نداشته باشند از معاشرت با افراد منحرف به شدت پرهیزند و با ساختن یک سلسله عادات خوب ؛ به جای این عادت زشت آنرا از خود دور سازند .

هرگز فریب پارهای از نوشته های مسموم و گفته های بعضی از اطباء بی مطالعه و روان شناسان بیخبر که احیاناً جوانان را نسبت به این عمل شوم تأمین میدهند ، نخورند .

برای پیشگیری افرادی که مبتلا نشده اند و هم برای ترک اعتیاد افرادی که گرفتارند ، علاوه بر آنچه در بالا گفته شد بحث مشروح ما را در کتاب «مشکلات جنسی جوانان» مطالعه نمایند (۱)

۱ - مقاله فوق روی اهمیت موضوع عیناً از سالنامه جوانان نقل شده است .

استتار و رد گم کنی

از جالبترین تاکتیکهای دفاعی که آفرینش در اختیار
حیوانات گذارده مسئله استتار است

به او نیفورم نظامیان و سربازان رزمی و سلاحها و خود روهای نظامی زمینی نگاه کنید خواهید دید که همه بر رنگ خاک است و کلاه خودها را با توریا-گل ، خط خطی می کنند و توپخانه و مسلسل را در زیر خاک ، پنهان می سازند تا زدید دشمن محفوظ باشد و آنرا با زمین اشتباه کنند . همانگونه که لباس و سلاحهای جنگی نیروی دریایی و هوایی ، بیشتر آبی و برنگ آسمان و آب است . تا آنجا که سربازان مناطق قطبی و پر برف ، لباس سفید رنگ می پوشند تا با برف اشتباه شوند ؛ باید گفت : این یک اقتباس مقدماتی و تکامل نیافته از جهان حیوانات است زیرا آفرینش آنرا در حیوانات بقدری جالب و زیبا و در عین حال آسان و بی خرج انجام داده است که انسان رامبهورت می سازد .

در بحث پیش یاد آور شدیم که مسئله استتار و پنهان شدن از دشمن يك تاکتیک نظامی مهمی است و نقش عمده ای در پیروزی و نجات بازی میکند . حیوانات با الهام از شعور فطری خویش این را دریافته اند و از راه های گوناگون خود را از دستبرد خصم در امان نگه میدارند .

یکی از بهترین وسایل دفاع و شکار در جهان جانداران تطبیق و هم رنگی آنها با محیط است .

آنها به آسانی می توانند خود را بشکل و رنگ محیط زیست ، در آورند و به آسانی رنگ پذیر و شکل پذیر ، گردند در نبرد و مبارزه ، اینگونه دفاع را «پاسیف» و غیر فعال یا مبارزه منفی می نامند که بشر امروز به این خاصیت «پاسیف» در جهان حیوانات پی برده از آن اقتباس کرده است .

تشخیص داده نمیشود و بدینوسیله خود را حفظ میکند .

«بلدرچین» خود را هم رنگ گندم میسازد و پوششی برای خود درست میکند .

مرغ «بو قیما» پرنده سلیم که دارای بال و پر راه راه است در حال عادی در نزار می ایستد و سر و منقار خود را بالا میگیرد و بدین وسیله بهترین راه استتار و هم رنگی با محیط را انجام میدهد .

«قر قاول چینی» ابتکار عجیبی را دارد و برای ترساندن رقیب خود (انواع نرها) کیسه های قرمز رنگ بزرگی در کنار گردنش دارد که میتواند هنگام روبرو شدن با نردهای دیگر، آنها را بخارج پرتاب کند و طرفدار از کوره در ببرد (۱)

نوعی سوسمار بنام «حرباء» قهرمان تغییر رنگ و تطبیق با محیط است که بایک عمل ماهرانه آرتیستی خود را با هر شرایطی تطبیق میکند . بیشتر مردم نام «بو قلمون» این خزنده متلون و رنگ باز را شنیده اند تا آنجا که انسانهای دور

هر چند مسئله تطبیق با محیط تنها بخاطر دفاع و نبرد یا منحصر به شکار نیست بلکه متناسب با محیط زیست و آب و هوای و نحوه تغذیه آنهاست، سازمان خلقت ، آنها را بگونه ای آفریده است که با هر نوع غذا و با شرایط مختلف سازگار و هماهنگ باشند تا آنجا که انطباق با محیط یکی از اصول مسلم علوم طبیعی قرار گرفته است .

هم رنگی حیوانات

راستی هیچ فکر کرده اید که چرا خرسهای قطبی و جفدهای برفی، سفید رنگ اند ؟ نوعی ماهی درخشان نواحی گرم سیر ، در بین مرجان های روشن ساحلی خود را گم میکند و استتار می یابد این تطبیق رنگ یا هم رنگی؛ نوعی پناهگاه برای حفاظت آنهاست که دست آفرینش بر ایگان با آنها عطا فرموده است .

تخمهای سنگریزه ای و مرغ باران « در ساحل دریا و رودخانه ها ، در لایه سنگریزه ها وجود دارد ، ولی مشخص نمیشود . نوعی غزال خالدار زیبا ، چنان با آرامی لایه های جنگل می خوابد که



(۱) دانشمند سال ۱۳۴۵ شماره ۷

می گویند و شاید این تغییر رنگ غیر اختیاری باشد بصورت «اتوماتیک» حاصل شود بگونه ای که رنگ چهره های مسا بی اختیار هنگام خجالت ، سرخ میگردد .

در میان شگفتی های این حیوان باید چشمه های عجیبش را نام برد که خیلی برجسته و بسان دو گلوله بنظر می رسد . شاع دید آنها منحصرا بجلو نیست ، بلکه میتواند به آسانی بالا ، پائین ، جلو ، عقب ، راست ، چپ را در آن واحد ببیند ! حتی میتواند در حال خواب یک چشم خود را باز نگاهدارد تا اگر طعمه یا دشمنی از نزدیکش عبور کند بسرعت اقدام نماید

و چند روی و منافق را به آن تشبیه کرده و بوقلمون صفت می نامند (۲)

این حیوان عجیب از شگفتیهای آفرینش است که میتواند به آسانی به رنگی که محیط زیست او اقتضا کند ، در آید . دانشمندان هنوز اسرار تغییر رنگ این حیوان و عوامل اصلی که موجب این دگرگونی و تغییرات (فیزیوشمائی) میشود ، نفهمیده اند و در حیرت اند که دو طبقه سلول های زیر پوست آن (که برنگ زرد روشن و قهوه ای متمایل بخاکی است) چگونه عمل میکنند و در آنچه عواملی از ترکیب این سلولها تغییر رنگ مطلوب حاصل میگردد ؟



(۲) منظور از بوقلمون مرغ معروف نیست که مرغ هندی نیز معروف است بلکه یک نوع خزنده شبیه

سوسمار میباشد .

مکتب اسلام

و این خودشگفتی حیرت‌زا و خارق‌العاده است که در هیچ حیوانی وجود ندارد! (۱)

راستی به این نکته توجه دارید که چون شیر بیشتر در بیابانها و صحراها زندگی میکند پوستش برنگ شهای بیابان است ولی «ببر» چون بیشتر در نزارها زندگی میکند، روی پوست بدنش راه-راه‌های سیاه و قهوه‌ای شبیه خیزران است. و پلنگ چون بیشتر در جنگل زندگی میکند، نقطه‌هایی بشکل سایه روشن بر برگ درختان در روی زمین، بروی پوست بدنش قرارداد. و شاید بهمین مناسب «سعدی، سروده است که:

هر ریشه گمان مبر که خالی است

شاید که پلنگ خفته باشد . . . !

هم‌رنگی و استتار در جهان حشرات

حشرات بیشتر به این حيله جنگی متوسل میشوند و هم‌رنگی با محیط و تغییر لباس که در اصطلاح حیوان‌شناسی «می‌میتسم» *Mimetisme* یعنی تقلید از محیط (۲) نامیده میشود یک شیوه و تاکتیک دفاعی همیشگی حشرات است.

دو حشره عجیب بنام فیلی «*Phyllie*» و فاسم «*Phsm*» که شبیه شاخه‌های درختانند. این دو حشره در برابر دشمن به بهترین تجهیزات دفاعی مجهز هستند انواع این حشرات در «سیلان- سرانندیب» فراوان است شباهت آنها به شاخه‌های نباتات بقدری زیاد است که بومیان می‌پندارند که این حیوان؛ بسان نبات می‌روید و همینکه بجد بلوغ میرسد از برگ درختان جدا شده و بیرون میرود.

برخی از حشره‌شناسان وقتیکه برای نخستین-

بار فیلی را مورد مطالعه قرار دادند نوشتند که: «طبیعت در صنعت خود نسبت بحشرات چنان راه تکامل را پیموده که وقتی انسان برخی از حشرات را می‌بیند؛ خیال میکند که برگ درختان را بریده و برای خود بال و لباس ساخته‌اند. و آنقدر از حیث رنگ و شکل شباهت بدرخت دارند که انسان دچار تعجب می‌شود» ولی آنگاه که بیشتر دقیق شده‌اند دریافته‌اند که عجیب‌است نه تنها فیلی، شباهت ظاهری به درختان دارد، بلکه اصولاً علت نهائی تغییر رنگ «فیلی» همانست که عامل سازنده رنگ برگ درختان است یعنی «کلروفیل» که حتی پس از مرگ شباهت و هم‌رنگی حشره را حفظ میکند و عجیب‌تر آنکه-همینکه رنگ درخت از سبزی به زردی و یا خشکی متمایل میشود، حشره نیز رنگ خود را با آن تطبیق می‌دهد!

حشره دیگری که بنام «حشره موزامبیک» معروف است و حدود ۳۳ سانتیمتر طول دارد با این جثه چنان شبیه بدرخت و نباتات است که به هیچوجه نمی‌توان تشخیص داد این حشره گوستخوار است. و پروانه‌ها بخیال آنکه گل است به آن نزدیک میشوند و خود را به کام آنها می‌اندازند! (۳)

و بدین وسیله حشره مزبور نه تنها خود را از خطر دشمن محفوظ می‌دارد بلکه روزی خویش را به آسانی نیز بدست می‌آورد.

در بحث آینده درباره جنگ شیمایی و استفاده از ازمبهای گازی در جهان حیوانات سخن می‌گوئیم.

نظام ظالمانه طبقاتی

درهند

طبقه نجس ها حق ورود به شهرها و پوشیدن لباس تمیز نداشتند
و بامردۀ آنها معامله لاشه حیوانات می شد! چرا جمعی
ازهندوها زنان را پس از مرگ شوهر همراه
جسد آنها می سوزانیدند؟!

در شماره پیش توضیح دادیم که : شبه قاره هند ، هنگام ظهور و گسترش اسلام ، به خاطر نادرستی نظام حاکم و بینشهای غلط مذهبی و عقائد خرافی دریک وضع بسیار بدی قرار داشت و آماده برای پذیرش اسلام بود اینک دنباله همان بحث را ادامه می دهیم :

ومعابد ، و کارشناسان و مفسران کتب دینی هستند ، مریبان اطفال و گردآورندگان ادبیات و حافظان «وداها» می باشند .

این طبقه که خود را برگزیده خدا می دانند ، طبق قانون نامه «مانو» هر چه در این جهان وجود دارد متعلق به آنهاست حتی از نظر تمتع جنسی حقوق ویژه ای دارند که طبق نوشته ویل دورانت : «برهمنان از «حق شب اول» بر تمام عروسانی که در منطقه آنان عروسی می کردند ؛ بر خوددار

هندرئیس ، اساس مقررات اجتماعیش را روی «نظام نادرست طبقاتی» استوار می سازد ! این آئین تعلیم می دهد که : افراد بشر یکسان آفریده نشده اند بلکه در پنج طبقه و «کاست» ممتاز و مشخص به شرح زیر آفریده شده اند :

۱ - برهمنان

این طبقه از ناحیه میر و برهما، آفریده شده و لذا از طبقه علیای جامعه به شمار می روند ! برهمنان، علاوه بر اینکه متولیان مراسم مذهبی

بودند !! (۱)

مهمان نوازی از يك برهمن، از بزرگترین وظائف دینی محسوب می شد و برهمنی که به خوبی از او پذیرائی نمی شد حق داشت : تمام اندوخته صا - جبخانه را با خود ببرد !

برهمن هر جنایتی بکند محکوم به اعدام نمی شود اگر کسی قصد دست درازی به او بکند صد سال در جهنم باید بسوزد ! و اگر این نیت عملی گردد هزار سال باید در جهنم بسوزد ! و از لحاظ کیفر دنیوی کسیکه دست تعدی و تجاوز بسوی او و مال و ناموش دراز نماید باید به اشد وجه مجازات شود !

برهمن با از بر کردن و ریگه ویداء چنان قدرتی پیدامی کند که با یک چشم برهم زدن می تواند تمام دنیا را بدون کمترین گناهی نابود نماید !! (۲)

البته در برابر این قداست مسؤولیتهائی نیز به عهده دارند از قبیل اینکه : حق ندارند بیرون از طبقه و کاست خود ازدواج کنند باید دوران طولانی تحصیل و ریاضت را بگذرانند ، خوابگاه خود را بایستی تمیز نمایند ؛ از تناول غذای حیوانی و همچنین پیاز ؛ سیر ، قارچ ، تره ، فرنگی ، تخم مرغ ، و مشروبات غیر آب می باید خود داری کنند و اگر به چیز ناپاک و یا یک شخص بیگانه دست میزدند بایستی با تشریفات خاصی غسل نمایند و ... !! (۳)

۲ - کاشاتریاها

این طبقه از « بازوی » برهما به وجود آمده و مسؤولیت حفاظت جامعه در برابر زورگویی و تجاوز به عهده آنهاست .

سلاطین و سر بازان و امراء جزو این طبقه بودند و کسی غیر از افراد این گروه حق حکومت نداشت گرچه طبق آئین هند و هیچکس غیر از برهمن - رستگاران نمی شود با این حال چنین پنداشته شده که « کاشاتریائی » که در میدان نبرد کشته شود به بهشت می رود ! (۴)

۳ - وایسیاها

این طبقه از دران ، برهما به وجود آمده و لذا پست تر از برهمن ها و کاشاتریاها به شمار می روند . وظیفه « وایسیاها » آنست که کشور را آبادتر و پر برکت تر کنند . کار آنها کشاورزی ، دامداری و تجارت است .

این طبقه حق دارند از طرق مشروع پول به دست آورند مشروط بر اینکه قسمتی از آن را به برهمن ها داده و صرف معابد نمایند ! (۵)

۴ - سودراها

این طبقه از دپای ، برهما آفریده شده اند و لذا از طبقات سه گانه بالا پست تر و محکوم به خدمتگزاری به آنها می باشند ، حق باسواد شدن و استفاده از کتب مذهبی و تقلید از طبقات دیگر را نداشتند ! اگر فردی از این طبقه به تلاوت کتابهای مقدس گوش

(۱) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۶۹۶

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۶۹۷ - ۶۹۸

(۳) هند سرزمین عجایب ص ۵۰

اینها در قدیم حتی حق نداشتند بدون اجاره وارد شهر شوند و قبل از ورود به شهر (که فقط به خاطر انجام کاری بود) می باید ورود خود را قبلاً اعلام میکردند، و نیز حق نداشتند در خانه های سنگی و یا چوبی زندگی کنند و مجبور بودند فقط در خانه های محقر گلی بسر برند، در ب خانه هایشان به قدری کوتاه بود که آنها مجبور بودند موقع ورود خم شوند!

پوشیدن لباس تمیز بر آنها حرام بسود و حق نداشتند مالک قطعه زمینی شوند و هر وقت میمردند با جسم آنها همان رفتار را میکردند که بالاشهك مرده میکنند! (۴)

«جوزف گیثیر» درباره رفتار غیر انسانی ای که با پارایها میشد چنین مینویسد چون برون «کستی» (۵) بخواهد از دکان دهکده چیزی بخرد هر گز اجازه ندارد پایه درون دکان نهد حتی نباید که بدان هم نزدیک گردد، همان توی کوچی می ایستد و از دور آواز میدهد و آنچه میخواهد میگوید و بهای آنرا در جای مخصوص میگذارد و خود دور میشود، دکان دار آنچه را که برون کست خواسته است می آورد و میگذارد و پول را بر میدارد، آنگاه که دکان دار بدرون دکه خویش رفت برون کست بینوا می آید

می داد می باید در گوشه های اوسرب گذاخته ریخته شود و اگر نوشته های مقدس رامی خواند بایستی زبانش بریده شود و اگر مطالبی از آنرا از بر می کرد باید پیکرش به دوپاره گردد! (۱)

اگر یکی از سودراها به يك برهمن پر خاش می کرد زبانش را قطع می کردند و اگر به او حمله می کرد به دارش می آویختند، جان سودراها به قدری بی ارزش بود که اگر يك برهمن او را میکشت مانند آن بود که سگی یا موشی را به قتل رسانده است! (۲)

۵ - پارایها (نجس ها !)

دیگر افراد بشر که از طبقات چهار گانه بالا بیرون بودند روی هم رفته طبقه نجس و نانجیب (پاریا) را تشکیل میدادند و به قول «جان ناس»: این گروه «خارج از صنف» نزد هندوها مانند اسفل جامعه و ته نشین عالم بشریت میباشند و محکوم به پستی و ناپاکی ابدی در جامعه هستند! (۳)

این طبقه با آنکه از لحاظ عدد زیاد و قسمت اعظم بومیان اصلی هند را تشکیل میدهند ولی از لحاظ حقوق انسانی به قدری محرومند که حتی طبقه سودراها نیز آنها را نجس میدانند! کار اینها معمولاً پاک کردن توالتها و جارو کردن خانه ها و خیابانها است.

(۱) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۶۹۶

(۲) هند سرزمین عجائب ص ۵۱

(۳) تاریخ جامع ادیان ص ۱۰۶

(۴) هند سرزمین عجائب ص ۵۲

(۵) «کستی» و «کاست» لغت پرتغالی است به معنی صنف و دسته و طبقه

قرارداد دارد. در قانون «مانو» آمده است «زن سرچشمه بی آبرویی و نزاع و زندگی خاکی است لذا از زن حذر کن زن در سراسر عمر خود باید تحت قیمومت پدر یا شوهر و یا پسر باشد. زن بساید خاضعانه شوهر خود را خدا و سرور و ارباب خطاب نماید، زن وفادار باید نسبت به شوهر خود آنچنان خدمت نماید که به خدا خدمت میکند و هنگام خواب پای شوهر خویش را ببوسد و با او در سر یک سفره غذا نخورد. زنی که از شوهر خود اطاعت نکند در زندگی بعدی به صورت شغال در می آید» (۴)

جز زنان طبقه بالا زنان دیگر از تحصیل علم و کسب دانش «وداها» محروم بودند و مانند برده ها حق مالکیت (جز نسبت به جهیزیه) نداشتند و دسترنج آنها متعلق به شوهر و اربابشان بود (۵) بدبختی زن هندی وقتی به اوج میرسد که بیوه میشد زیرا در این صورت باید سرش را بتراشد و از هر گونه آرایش برای همیشه خودداری کند و کلفتی خویشان شوهر را بعهده بگیرد و از شوهر کردن محروم باشد!

و به خاطر همین بدبختیها بود که رسم منحوس «ساتی» و سوزاندن بیوه ها با جسد شوهر از دورانهای

و آنچه را بدین ترتیب خریده است بر می دارد و میرود» (۱)

اینها اصول و ریش های طبقات هندی و تیس است و گرنه در اندرون این طبقات، گروه های دیگری نیز وجود دارند که «جوزف گیتیر» تعداد آنها را تا نوزده هزار بالغ میدانند! (۲)

نکته مهم در این سیستم نادرست طبقاتی تنها این نیست که ابرکستان حق ندارند هم کاسه و هم پیاله فرو کستان شوند و پرستشگاههایشان باید از یکدیگر جدا باشد و کودکانشان با هم بازی نکنند و... بلکه هر گونه تلاش برای برقراری مساوات میان انسانها و عدالت اجتماعی بی ثمر و غیر عادلانه خواهد بود هر کسی در هر طبقه ای بدنیآ آمده تا آخر عمر محکوم است که در آن طبقه باقی بماند تنها عاملی که می تواند انسانی را از طبقه ای به طبقه دیگر ارتقاء دهد اصل «کارما» و سیر و حرکت روح از رهگذر مرگ و تناسخ است و کسانی هم که در طبقات کنونی قرار گرفته اند به خاطر اعمال نیک و یازشتی است که در ادوار پیش انجام داده اند! (۳)

* * *

زن در هندی

زن هندی در بسیاری از تکالیف در شمار «پاریاها»

بقیه در صفحه ۵۳

(۱) سرگذشت دینهای بزرگ ص ۸۷

(۲) همان مصدر ص ۸۶

(۳) تاریخ جامع ادیان ص ۱۰۷

(۴) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۷۰۶

(۵) همان مصدر ص ۷۰۷



تبعیضات کشنده

در یکطرف ، آفریقایی استعمار شده بر اثر شدت خشکسالی (در سنگال)
تنها حیوان بارکش خود را روی زمینهای خشکیده ترک خورده از دست داده .
و در طرف دیگر اروپایی استعمار کننده از کثرت اتومبیلهای آخِرین -
سیستم در عذاب است !

راه مبارزه با غم و اندوه!



مادی باشد ، گاهی روحانی و گاهی جسمانی است ، چنانکه مثلاً در دندان اندوه و رنج جسمانی را به همراه دارد و تصوری است که در موردی آبروی شخصی در خطر است ، این اندوه روحانی می باشد .

آثار سوء اندوه :

اندوه عموماً حرکات و اعمال بدن را کند می کند ، نیروی حیاتی را می کاهد ، موجب تحلیل قوا ، می شود ، و تغییراتی را در وجود انسان پدید می آورد که با آشکار و نمایان است و یادرونی و پنهان :

الف - تغییرات بیرونی : غم و اندوه غالباً مخدر و سست کننده است . و شخص از چیزیکه موجب آن بوده است گریزان می باشد .

در این هنگام واکنش منفی این عالم روانی این است که بدن خود را جمع و منقبض و کوچک می کند و معمولاً بانفی حرکات همراه است و در برخی موارد جنبه های مثبتی ، از قبیل تشنج و ناله و فریاد بوجود

گاهی پس از یک احساس درونی ، و یا شنیدن سخنی از کسی ، حالتی به انسان دست می دهد مثلاً از کسی حرف ناروایی می شنویم و در نتیجه ، روان ما آزرده می گردد . یا کسی چیزی را که مورد علاقه اش بوده و از دست داده است از فقدان آن غمگین و آزرده خاطر می گردد . و به همین طریقه است سایر تصوراتی که در وجود انسان باعث رنج و اندوه می شود ، و این یک نوع تأثیری است که در اصطلاح روانشناسی آنرا «انفعال» می نامند (۱) .

اگر میان تمایلات شدید و هدفهای ما ؛ موانع و سدهای ناشکستی حائل شود ؛ بر وجود مانع و ناراحتی عارض می گردد ، که معمولاً با اضطراب و نگرانی همراه است ، این حالت از نظر روانی نامطلوب است ، چون موجب ناراحتی می باشد و نیز از لحاظ بهداشت زیان آور است ، و باعث امراض بسیاری می شود .
اندوه و رنج از آنجا که سبب آن امر معنوی یا امر

(۱) روانشناسی پرورشی ، نگارش دکتر سیاسی م ۱۹۰ .

می آورد .

ب - تغییرات درونی :

هنگامیکه انسان دچار غصه و رنج است اعمال بدنش کاهش یافته . مختل و گاهی متوقف می شود . حرکات قلب از انتظام خارج و در باره ای از تألمات شدید و ناگهانی منجر بسکته میگردد ، دستگام تنفس نیز نابهنجار شده ، اکسیژن بمقدار کمتری بهره های رسد و اسید کربنیک نیز بمیزان کمتری بیرون می رود و بدینجهت است که احتراق داخلی باندازه کمی صورت میگیرد و حرارت بدن نقصان می پذیرد و همچنین دستگام گوارش را پریشانی دست میدهد و گاهی این دستگام بکلی از کار می افتد . غده ها ترشح نمی کند و شخص اشتهارا از دست میدهد و آثار سوء هاضمه در وی آشکار می گردد ؛ و عاقبت در صورت دوام داشتن وضع ، سست و بی حرکت شده ، از پای در می آید .

راه مبارزه با اندوه :

هنگامیکه «غم لشکر بر می افرازد که بنیانمان را بر اندازد» عده ای تنهارا راه علاجی که برای بر انداختن غم و رهایی از اندوه بنظرشان می رسد ، این است که بقول شاعر ، بگویند : «من و ساقی بهم سازیم و بنیادش بر اندازیم» منظورشان این است که برای نجات از عذاب غم ، چاره ای نیست جز اینکه بتخدير و مستی الكل پناه بریم (۱) ، یا بكمك تريك و مرفین موقتاً خود را از ناراحتی اندوه و غصه خلاص کنیم . معلوم است که

استعمال این مواد ، جز بدبختی و فلاکت همیشگی و غیر از فرسودگی و ناپودی جسم و جان نتیجه دیگری ندارد ، و هنگامیکه باین مواد اعتماد پیدا کنند اگر سر موعد بآن دست نیابند دچار چنان کسالت و درد و تشنجی میشوند که کمتر چیزی باین دردناکی و عذاب می توان پیدا نمود .

بهترین راه برای زدودن غبار غم از خاطر ها این است که دوستانی صمیمی و خدایی و معاشرانی که محبتشان بر پایه معنویت (نه بر مادیت و سودجویی) استوار گشته باشخصی که گرفتار غم و رنج است تماس بگیرند و درباره واقعه غم انگیزش با او صحبت کنند و بر اثر تذکر و درمیان گذاشتن مشکل ، عقده های غم را بکشایند و تاجائی که ممکن است برای رفع ناراحتی وی تلاش و کوشش بعمل آورند . و بانصاح بی شائبه خود در درغم او را شفا بخشند .

دلجویی نمودن از اشخاص غم زده و مجال دادن بسایشان برای آنکه آنچه را که باعث غم و اندوه آنان گشته بادوستان با اخلاص خویش در میان بگذارند ، و باصطلاح در ددل کردن و آشکار ساختن امور محنت آوری را که مخفی نگه داشته اند یکانه راه زدودن و بر طرف نمودن غصه و ناراحتیهای روانی است .

فرویدمی گوید ، درازدردناك را نباید در دل نگهداشت و باید روانکاوی را بر روی بیرون کشیدن رازهای دردناك اشخاص قرارداد تا بتوانند عقده دلشانرا بکشایند (۲) .

(۱) شکفتیهای جهان درون ص ۱۰۶ .

(۲) شکفتیهای جهان درون ص ۱۱۷ .

دلجوئی و همرازی عقده گشایی می کند و غبار غم را از دل او می زداید ، که از جمله روایات زیر است :

امام صادق (ع) می فرماید : افراد با ایمان با دیدن همفکران خود (مؤمنین) آرامش می یابند و از ملاقات آنها همان لذتی را می برند که افراد تشنه کام از دیدن آب سرد و گوارا احساس می کنند . (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود : بهترین کارها در پیشگاه خدا این است که فردی موجب سرور و خوشحالی برادر مؤمن خود گردد و غبار اندوه از روان او بزداید . (۳)

پیشوای ششم می فرماید : هر گاه یکی از شما دچار درد و اندوهی شدید، برادر خود را آگاه سازید . تاغمهای شمارا برطرف سازد . (۴)

در قرآن و اخبار اشارات لطیفی باین مآله شده که شایان توجه است و بیرخی از آنها ذیلاً اشاره می کنیم :

در قرآن مجید در راز آفرینش همسر چنین می فرماید : « **ومن آیاتہ أن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة ورحمة** » (۱) .

وازنشانه های لطف خدا این است که جفتیهای را از جنس خودتان برای شما آفرید تا (هنگام اندوه و ناراحتی) بوسیله آنان آرامش یابید ، و بین شما دوستی و مهربانی قرار داد (تا بوسیله دوستی آمیخته با معنویت یار و غمگسار یکدیگر باشید) .

در روایات فراوانی هست که مؤمن یگانه وسیله آرامش خاطر مؤمنان می باشد و هنگامیکه بفهمد یکی از مؤمنان گرفتار غصه و اندوه شده بواسطه

(۱) سورة روم قسمتی از آیه ۲۱ .

(۲) عن الصادق (ع) ان المؤمن لیسکن الی المؤمن کما یسکن الظمان الی الماء البارد (اصول کافی

طبع نظم السلطنه ص ۴۳۱)

(۳) عن النبی (ص) قال : احب الاعمال الی الله سرور یدخله علی مؤمن یطرده عنه جوعته و یکشف عنه

کربته (اصول کافی ص ۴۰۵)

(۴) عن الصادق (ع) : اذا ضاق احدکم فلیعلم اخاه ولا یمین علی نفسه . (وسائل الشیعه ج ۲ ص ۵۵)

آزادگی

چون سرو بسته ایم بدل بار خویش را
(صائب تبریزی)

هر دم چو تانک بار درختی نمیشویم

بودجه‌های سرسام آور کلیسا

در ماه گذشته بسیاری از مطبوعات مخصوصاً اطلاعات و کیهان سروصدای عجیبی برای افتتاح و کلیسای بزرگ آرامنه در تهران، به راه انداختند که هم بی سابقه بود و هم غیر طبیعی و زنده . در حالی که نه بخاطر ورود مفتی بزرگ کشور سوریه به ایران و نه برای افتتاح مساجد عظیم مسلمانان هرگز چنین واکنشی نشان نداده اند .
مطالعین اینها را با بودجه‌های عظیم تبلیغاتی مسیحیت بی رابطه میدانند در مقاله زیر گوشه‌ای از این بودجه‌ها که فقط مربوط به واتیکان است از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد .

در این میان نقش تبلیغاتی مسیحیت و کلیسای جهان عجیب است میلیاردها تومان برای شیوه‌های گوناگون تبلیغی خرج می‌کند و از آخرین وسیله تبلیغاتی برای پیشبرد مسیحیت و تخریب افکار اسلامی کمک می‌گیرد .

اکنون وقت آنست که جامعه اسلامی برای پیشبرد هدفهای اسلامی و دینی يك سلسله مؤسسات تولیدی مختلف بوجود آورد که مبارزه قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و آنرا در اختیار برنامه‌های تبلیغاتی اسلام در جبهه داخلی و خارجی بگذارد . تادر شرایط فعلی که اسلام باید در چندین جبهه نبرد کند ، از يك سو تهمت‌های ناجوانمردانه دشمنان کینه توز دیروز و امروز را پاسخ گوید و گره کور مشکلات فردی و

درجهانی که تبلیغات همه گیر شده و نقش حساسی را بازی میکنند در تمام شئون اقتصادی، تجاری، نظامی، سیاسی، علمی و فرهنگی و عقیدتی راه یافته است جای تأسف است که وضع تبلیغات مسلمانان نه تنها در جبهه خارجی سرسامانی ایده آل ندارد بلکه در جبهه داخلی نیز ضعیف و نارساست .

در صورتی که صهیونیسم علاوه بر تقویت جبهه داخلی خود (اسرائیل) ، در صحنه بین المللی نیز جبهه نیرومندی بوجود آورده است ، میگویند ۸۰ درصد مطبوعات آلمانی (که پایگاه ضد یهود بود) و نیز در دیگر کشورهای غربی یویژه دستگاههای تبلیغاتی آمریکا نفوذ عمیق دارد . و این همه بر ضد اسلام و مسلمانان بکار میرود !

بی‌درنگ پولها را در صنعت روبه توسعه امریکا ،
 بویژه در کارخانه فولاد سازی «فین ساید»
 سرمایه گذاری کرد .

این مؤسسه که پس از جنگ ، سالانه کمتر از
 یک میلیون تن فولاد تولید می‌کرد ، امروزه سالی
 ده میلیون تن فولاد رسیده است و سودسالیانه‌اش
 بالغ بر ۲۳ میلیون دلار می‌شود .

واتیکان در دومین کارخانه اتومبیل سازی
 ایتالیا «آلفارومئو» سهم است که به گروه
 «ای . ار . ای» وابسته است این کارخانه سالانه
 ۷۵۰۰۰ - اتومبیل تولید میکند که با ساختن
 کارخانه‌ای تازه در «ناپل» در سال ۱۹۸۱
 تولیدش به بیش از نیم میلیون رسیده است

«فین مکانیکا» بزرگترین کارخانه ماشین
 سازی ایتالیا است که واتیکان بزرگترین سرمایه‌اش
 را در این واحد عظیم بکار انداخته است که در
 ترازنامه سال ۱۹۶۷ بیست میلیون دلار سود نشان
 داده است .

سرمایه گذاری واتیکان در مؤسسات اعتباری
 (که بندرت از آن سخن میگویند و بطور کلی
 استراتژی مالی واتیکان چنین است) عجیب است ،
 بگونه ای که یک سوم از ۱۸۰ مؤسسه اعتباری
 (بانکهای رباخوار ایتالیا) از پول واتیکان تغذیه
 میکنند !

واتیکان برای راهیابی بیزارهای جهانی ،
 مؤسسه اعتباری دیگری دارد بنام «شرکت مالی ،
 بازرگانی و صنعتی» که سرمایه‌اش به ۴۸۰۰۰۰
 دلار بالغ میگردد .

اجتماعی مسلمانان را بگشاید و برای پیاده کردن
 طرحهای سازنده اسلامی قدممبثی بردارد .

وازدیگر سواسلام راستین را به جهان بشناساند
 که خود نیاز به بودجه سنگین و منظمی دارد که جز
 با ایجاد مؤسسات تولیدی «خیریه» تأمین نخواهد
 شد .

به تلخی باید اعتراف کرد که مسیحیت مرده
 و تحریف شده بدست مردم زنده‌ای افتاده
 ولی اسلام زنده و متحرک در دست مردم
 مرده و بی تحرکی قرار گرفته است و دلیل
 آن همین بس که هنوز چهره واقعی اسلام را نه تنها
 به جهانیان بلکه به نسل نو و روشن خودمان نشناسا-
 نده ایم با اینکه آمادگی پذیرش این آئین در جهان
 زیاد است .

سرمایه‌گذار یهای عظیم کلیسا

هر چند بر نامه‌های اقتصادی مسیحیت خود نوعی
 استعمار اقتصادی است و رابطه نزدیکی با امپریالیسم و
 استعمار غربی دارد که از هر نظر محکوم است ولی
 برای اطلاع ، نمونه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی
 کلیسای کاتولیک را از نظر شما میگذرانیم :

در پایان جنگ جهانی دوم که ایتالیای جنگ
 زده ، قدرت نداشت کم‌رست کند ، «نوفارا»
 (یکی از شخصیت‌های واتیکان) در گزارشی نوشت
 که ما بر سر یک دوراهی خطرناک قرار داریم راهی
 هموار و یکدست بسوی ورشکستگی کامل ، و راهی
 پر پیچ و دشوار برای احیای اقتصاد و صنعت !
 ایتالیا راه دوم را برگزید و واتیکان نیز

می شود!

بورس بازی .

به كمك این گونه نفوذهاست كه واتیکان حتی برای تصاحب ثروت هر چه بیشتر ، برضد منافع اصیل ملتها بورس بازی می كند و بزرگترین افتضاحات مالی دوران پس از جنگ ایتالیا را بیارمی آورد كه موضوع فرودگاه «. اوینچی» كه چندین میلیون دلار ارزش دارد از آنجمله بوده است . با آنكه فرودگاه مزبور در محل مناسبی نبود (منطقه چامینو) و دارای سه بانده بود كه طول هر يك به ۲۲۱۴ متر می رسید و می شد آنها را به آسانی امتداد داد (چون در محیط غیر مسكونی قرار داشت و با اختصاص اصلاحی مشکل بر طرف می گردید) ولی باز دهندهای کلیسای و حکومت ، دولت قطعه زمینی بزرگی در نزدیکی شهر ساحلی «فیومی چینو» خرید كه بهیچوجه برای يك فرودگاه مناسب نبود و با اینهمه حكومت ایتالیا برای خرید آن ۲۱ میلیون دلار به واتیکان پرداخت چون زمین متعلق به واتیکان بود و خرید آنرا واتیکان توصیه کرده بود!! ساختن راههای ارتباطی بین شهر و فرودگاه و كارهای دیگر آن بیش از ده میلیون دلار خرج برداشت ، با آنكه توسعه فرودگاه قبلی طبق محاسبه دقیق ، تنها ۷-۷ میلیون دلار هزینه داشت .

عجیب آنكه مقاطعه ساختمانی آن به شركت «مانفردی» واگذار شد كه متعلق به واتیکان بود ؛ و نیز مقاطعه ساختمان سالن پذیرائی فرودگاه به شركت «كاراسی» كه مال واتیکان است داده شد

هفت مؤسسه اعتباری دیگر وجود دارد كه تماماً متعلق به واتیکان است یا واتیکان سهامدار عمده آنها است كه سرمایه آنها رویهم به ۳۵ میلیون دلار میرسد !

بقول «اشپیکل» سرانجام واتیکان چقدر ثروت دارد ؟ درست نمیدانیم توجه جهانیان بوضع مالی هنگامی جلب شد كه حكومت ایتالیا شركت های برق را ملی كرد ، معلوم شد كه واتیکان تنها در این شركت ها بیش از صد میلیون دلار سهام دارد !

واتیکان بعنوان یکی از بزرگترین سهامداران جهان اوراق بهاداری به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار در اختیار دارد تازه این مبلغ احتمالاً کمتر است از آنچه كه واقعیت دارد . زیرا واتیکان در همه بورسهای جهان سرمایه گذاری کرده است . بهر حال « اكسونومیسٹ لندن » ارزش سهامهای واتیکان را در جهان (خارج از ایتالیا) (برای سال ۱۹۶۴) ۵ میلیارد دلار و در ایتالیا ۵۸۶/۶ میلیون دلار تخمین می زند . واتیکان برای نفوذ در دستگاه حكومت و رهبری ایتالیا و حفظ منافع خود ، حزب دمكرات مسیحی را غیر مستقیم كنترل می كند تا از يك سو كه نیست ها و چپ گرایان را در بن بست گذارد و از دیگر سو منافع مالی خود را حفظ كند و هر چند بظاهر ادعای عدم مداخله در سیاست می كند و نیز حكومت ایتالیا به ظاهر حكومتی غیر مذهبی است ، ولی قواعد مملكت داری از طرف واتیکان به آن دیکته

سازی ، ماشین سازی ، حتی در ساختمان سینماها
و... سرمایه‌گذاری کرده‌است !!!
مسلمانان باید توجه داشته باشند با تشکیلاتی
روبرو هستند که گوشه‌ای از امکاناتش در بالاترین
شد آیان باید دستگاههای تبلیغاتی خود را مجهز
کنند !

پس از ۳۷۶ روز که از کارهای ساختمانی می‌گذشت
شرکت مذکور با اصطلاح «دبه» درآورد و دولت هم
ادعایش را پذیرفت و ۴۱۳ میلیون دلار دیگر برای
اتمامش پرداخت !! و هیچ‌یک از اینها تصادفی
نبود !! (۱)
بعلاوه «واتیکان» در شرکت‌های نفت، کشتی-

(۱) از مجله آلمانی «اشپیکل» نقل از خواندنیها ۸۷ سال سی‌ام

بقیه از صفحه ۴۵

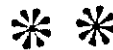
نظام ظالمانه

که زن با ازدواج برای همیشه متعلق به مرد میشد و
این پیوند حتی با مرگ ناگسستن بود و لذا باید زن
هر چه زودتر خود را به شوهر ملحق نماید اما از
ناحیه شوهر اینطور نبوده او با بهانه‌های جزئی
میتوانست پیوند ازدواج را بگسلد و زن را رها
نماید ! (۲)

پیش در میان هندوها رواج یافت زیرا زنان بیوه
این نوع مرگ دردناک را بر مرگ در ریجی و
مجرمیت همیشگی ترجیح میدادند ! (۱)
این رسم غلط تا یک قرن پیش رایج بود و هنوز نیز
گاه متعصبین از هندوان در نقاط دور دست آنرا بکار
می‌بندند !
و شاید یک فلسفه دیگر سنت «ساتی» این بوده

(۱) هند سرزمین عجایب ص ۱۱۰

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۷۰۹



مسئله فیلیپین

و

دنیای اسلام

آیا مسلمانان میدانند چه بر برادران آنها در فیلیپین می‌گذرد؟

رایکی از مهمترین مسائل مورد بررسی و تحقیق خود
قرار داده بود .

این مسئله نخست توسط تنکو عبدالرحمن
دبیر کل کنفرانس اسلامی در جلسه رسمی مطرح
شد . او گفت : «مقامات دولتی فیلیپین اراضی
پیش از ۵۰۰ هزار مسلمان را صادر کرده و ۱۲۰
هزار مسلمان دیگر را بزور از خانه و کاشانه خود
اخراج نموده که به جزیره صباح در مالیزی
پناهنده شده‌اند»

تنکو عبدالرحمن افزود : «قتل عام روزانه
مسلمانان در فیلیپین و مصادره اموال و اراضی
نشان میدهد که توطنه وسیعی بر ضد مسلمانان
از طرف حکومت موجود و به پشتیبانی

دامنه نبردهای خونین بین مسلمانان فیلیپین و
نیروهای انتظامی حکومت مارکوس و تروریستهای
مسیحی - ایلاگاس - و کشتار بیرحمانه زن و مرد و
کودک مسلمان در جنوب فیلیپین ، باعث گردید که
«دنیای اسلام» و مردم مسلمان همه کشورهای اسلامی ،
باین مسئله اهمیت خاصی بدهند و حتی آنرا در دستور
کار کنفرانس و شورای خارجه بلاد اسلامی در بنغازی
قرار دهند .

این کنفرانس که با شرکت وزیران خارجه ۲۶
کشور مسلمان و ناظرانی از آریتره و فلسطین
تشکیل شده بود پس از چندین روز بحث و بررسی
مسائل مهم جهان اسلام ، با صدور یک اعلامیه و
تصویب قطعنامه بکار خود پایان داد؛ مسئله فیلیپین

اسلام مکتب

سیاستهای امپریالیستی خارجی طرح- ریزی شده و اجرا می‌شود ... شکنجه و آزار اقلیت چهارمیلیونی مسلمانان جنوب فیلیپین مستقیماً بوسیله دولت کاتولیکی مانیل اداره و رهبری می‌شود و همین امر باعث شده که کشورهای اسلامی بطور جدی نگرانی خود را نسبت به سر نوشت چهارمیلیون مسلمان فیلیپینی ابراز دارند

بدنبال این اظهارات رئیس کنفرانس ، سفیر فیلیپین در مصر ، از کنفرانس اسلامی درخواست کرده در جلسه رسمی آن شرکت کند و توضیحاتی بدهد ... نمایندگان مسلمان با اجازه دادند که در یک جلسه رسمی کنفرانس شرکت کنند و او در

توضیحات خود گفت : « در کشور من تبعیض علیه مسلمانان وجود ندارد! ولی ناگهان زنی از فیلیپین که خود از آوارگان مسلمان آن سرزمین بود، فریاد زد : «مزدورمار کوس دروغ می گوید» و آن گاه یک پسر بچه ۷ ساله فیلیپینی را که یک دست و یک گوش او را تروریستهای مسیحی بریده بودند ، به جلسه رسمی کنفرانس وارد کردند . نماینده یکی از کشورهای اسلامی، کودک را روی دست خود گرفت و گفت: پدرم مادران این کودک در یک حمله ناجوانمردانه مسیحیهای تروریست بقتل رسیده‌اند و خود او را هم چنانکه ملاحظه می کنید مانند صدها کودک دیگر، ناقص العصبو کرده‌اند .



عکس دو کودک مسلمان فیلیپینی که بطور وحشیانه‌ای یک دست و یک گوش آنها را تروریستهای مسیحی بریده‌اند !!

درست در اوج کارکنفرانس اسلامی در بنغازی ، فرماندهی نیروهای مسیحی در منطقه جنوب غربی فیلیپین اعلام داشت که : « واحدهای پیاده نظام و جت‌های جنگنده و توپ‌های ساحلی در حدود ۲۰۰ نفر از مسلمانان را که یکی از شهرها بوسیله آنها اشغال شده بود ، بقتل رساند . » (۱) .

و خبر گذاری فرانسه هم از مائیل گزارش داد که مسلمانان توانسته‌اند در زدو خورد با نیروهای دولتی يك هواپیمای جنگی را سرنگون سازند ... و سپس «مارکوس» در یک نطق تلویزیونی اعتراف کرد که زدو خورد در ایالات مسلمان نشین بشدت ادامه دارد و مسلمانان با وجود آنکه تعداد زیادی کشته داده‌اند ! ، توانسته‌اند يك گروهان از سرپازان دولتی را بکلی نابود سازند . ولی نیروهای دولتی هم تلفات سنگینی به «شورشیان» وارد آورده است ! ...»

مارکوس با کمال وقاحت اعلام داشت : « ما به مسلمانانی که اسلحه رازمین بگذارند توجه بیشتری مبذول خواهیم داشت و دوهزار بورس تحصیلی در اختیار دانش آموزان آنها خواهیم گذاشت » . ولی بموازات همان ایامی که او در سخنرانی خود مسلمانان را مورد تفقد ! قرار می داد ! نیروهای انتظامی با هجوم وحشیانه‌ای تنها **دانشگاه اسلامی فیلیپین** را به آتش کشیدند و در این آتش سوزی وسیع ، همه ساختمانها و کتابخانه بزرگ دانشگاه که حاوی هزاران جلد کتاب علمی و مذهبی بود ، سوخت و خاکستر

شد ؟ (۲) .

این دانشگاه اسلامی در سال ۱۹۵۲ م به کمک و همکاری مسلمانان فیلیپین ساخته شده بود و قبل از آتش سوزی چهار هزار و پانصد دانشجو مسلمان در آن تحصیل مشغول بودند .

و البته این نمونه‌ای از «مراحم و تفقدهات» ! کینه توزان صلیبی نسبت به مراکز فرهنگی مسلمانان فیلیپین است و گر نه حکومت فیلیپین برای نابودی مسلمانان نه تنها نقشه‌های خود را اجرا می‌کند ، بلکه از «هم پیمانان» ! خود برای سرکوبی آنان کمک و یاری می‌خواهد : روزنامه «گاردین» از قول خبرنگار خود در مانیل - پاتریک کستیلی - گزارش میدهد که : «حکومت فیلیپین به دولت بریتانیا و دیگر هم پیمانان سیتو - جنوب شرقی آسیا - اخطار کرده که در جنوب کشور شورشی وسیع در جریان است . حکومت فیلیپین ضمناً از آمریکا ، فرانسه ، بریتانیا ، تایلند و نیوزلند تقاضای همکاری ! بیشتر کرده است ...»

این نبرد پس از اعلام حکومت نظامی شدت یافته و در دو ماه گذشته از هر دو طرف بیش از دوهزار نفر کشته شده‌اند ، ولی مسلمانان بسیاری از قسمت‌های جزیره سولورا تصرف کرده‌اند و هرگز حاضر نیستند اسلحه خود را بزمین بگذارند زیرا معتقدند که اگر اسلحه را زمین بگذارند همه چیز خود را از دست می‌دهند» (۳) .

همکاری نیروهای امپریالیستی با محافل ارتجاعی

(۱) کیهان : شماره ۹۸۱۱ - اطلاعات ۱۴۰۵۹ .

(۲) مجله البعث الاسلامی چاپ هند شماره ۹ سال ۱۷ مورخ ربیع الثانی ۹۳ هـ ص ۹۹ .

(۳) روزنامه گاردین چاپ لندن شماره مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۳ م .

انتشار می‌یافتند اکنون فقط ۲ روزنامه منتشر می‌شود و بقیه توقیف شده‌اند .

اقدامات بعدی مارکوس بیشتر برای اطمینان دادن به دول غربی است که در این سرزمین سرمایه‌گذاری کرده‌اند ... فقط آمریکا بیش از یک میلیارد دلار در این سرزمین سرمایه‌گذاری کرده و پس از ژاپن ، بیش از هر کشور دیگری به فیلیپین توجه دارد ولی بطور کلی باید گفت که با همه فشارها و تهدیدها ؛ برای فیلیپین آینده آرامی پیش بینی نمی‌شود (۲) « نیوزویک » سپس یکی از خبرنگاران خود را بنام : « تسونی کلیفتون » به فیلیپین اعزام میدارد و او در گزارش مشروح خود، در یکی دیگر از شماره های آن مجله چنین می‌نویسد :

پس از بررسی همه جانبه‌ای که در مورد اختلافات مسلمانان، فیلیپین با دولت مارکوس بعمل آوردم ، معتقد شدم که حوادث استان کوتا باتو فوق‌العاده دهشتناک است و مجمع الجزایر سولو در آستانه یک بحران وخیم قرار گرفته است .

من هنگامیکه وارد فرودگاه (کوتا باتو) شدم خود را با یک حالت غیرعادی رو برو دیدم ، در این ایالت میان مسلمانان فیلیپین و ارتش مارکوس از مدت‌ها جدال و منازعه درگیر شده است . کسانی که با تمامی نیرو در برابر دولت فیلیپین مقاومت میکنند بازماندگان نخستین

فیلیپین در سرکوبی نهضت مسلمانان وقتی آشکارتر می‌شود که ناگهان در شدت این نبردها «ژنرال مور» فرمانده سپاه سیزدهم نیروی هوایی آمریکا - که در فیلیپین مستقر است - در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام می‌دارد : « آمریکا از حوادث وخیمی که هم اکنون در جنوب فیلیپین روی می‌دهد غافل نیست . . . و طبیعی است که آمریکا نمی‌تواند در برابر وقایعی که ثبات و آرامش ؛ را در جنوب فیلیپین مختل کرده است ، هشیار نباشد . . »

و بدنبال این اظهارات ، طبق گزارش خبرگزار - ریهای رسمی « ناظران امور آسیائی اظهار داشتند که ممکن است بزودی سیل اسلحه آمریکائی به فیلیپین سرازیر شود و در صورت لزوم نیروی هوایی آمریکا علیه شورشیان ! وارد عمل شود» (۱) .
باتوجه به اخبار فوق و بررسی حوادث خونینی که همه روزه در جنوب فیلیپین رخ می‌دهد، بخوبی می‌توان اهمیت موضوع را دریافت و معتقد شد که سرکوبی و قتل عام مسلمانان جنوب فیلیپین نتیجه یک توطئه بین‌المللی است .

مجله « نیوزویک » درباره « آخرین تلاشهای مارکوس » می‌نویسد : « .. مارکوس حکومت نظامی شدیدی را در سراسر فیلیپین برقرار کرده و با تمام مبارزه با فساد و کمونیسم و غیره به تصفیه دامنه داری دست زده است ... همه گونه آزادی از مردم سلب شده و حتی از ۱۵ روزنامه‌ای که در مانیل

(۱) اطلاعات مورخ ۱۲/۱/۵۲ ص ۱۳ .

(۲) ترجمه مقاله نیوزویک در روزنامه اطلاعات شماره ۱۳۹۱۹ ص ۶ درج شده است . . .

از چوبهای خیزران ساخته شده‌اند در اثنای يك ماه گذشته نزدیک به ۱۵۰ نفر از غیر نظامیان در حوادث خونینی که در این مناطق روی داده بهلاکت رسیده‌اند اما بدنبال وقوع این روی دادهای خونین بیش از ۲۷۵ هزار نفر از مسلمانان خانه ولانه خود را ترك گفته و شهرهای دیگر رفته و بصورت پناهنده و آواره درآمده‌اند تا خود را از مخاطرات جنگ مصون و محفوظ نگاه دارند! یکی از مقامات رسمی دولتی گفت: حداقل ۶ ماه وقت لازم است تا پناهندگان فراری به اراضی خود مراجعت کرده و آماده از سر گرفتن فعالیت های تولیدی گردند.

درواقع مبارزه و کشمکش که میان مسلمانان فیلیپین و رژیم مانیل روی داده از زمانی وارد مراحل بحرانی خود گردید که مارکوس طی فرمانی به همه مردم اخطار کرد اسلحه و مهماتی را که دارند بایستی هر چه زودتر به مقامات دولتی تسلیم نمایند؛ اما مسلمین درقبال این اخطار مقاومت و پایداری کرده و رژیم مانیل را متهم کردند که مسیحیان فیلیپین درصددند با ضبط اسلحه آنان توسط دولت؛ موجبات تضعیف موقعیت آنها را فراهم کرده و آنها را از سرزمین هائی که طی قرون متمادی در آنها سکونت داشته‌اند خارج ساخته و ایشان را بطور دسته جمعی بهلاکت رسانند. در برابر مسلمانان فیلیپینی که خود را با مخاطرات پیش بینی نشده روبرو میدیدند درصدمقاومت برآمدند و همین امریک سلسله خشونت هائی بدنبال آورد.

دسته از مسلمانانی هستند که ۴ قرن پیش بانخستین دسته از مهاجمین اسپانیامبارزه گردند. مسلمانان فیلیپین هم اکنون يك ارتش مجهز ۱۰ هزار نفری بوجود آورده و از این ارتش در راه مبارزه با حکومت مارکوس استفاده میکنند. ارتش مسلمین دارای تجهیزات خوب و تعلیمات کافی نظامی بوده که می توان آنها را درخشانترین عوامل جنگ های پارتیزانی در خاور دور دانست. قدرت و تحرك این ارتش بدان پایه است که سبب نگرانی واضطراب خاطر دولت مارکوس را فراهم ساخته و موجب شده رژیم مانیل همواره برای درهم شکستن آنها تدابیر جدیدی بیندیشد؛ اطراف واکناف استان «کوتاباتو» برای تشدید مبارزات پارتیزانی علیه دولت مانیل بصورت يك دژ جنگی و قلعه نظامی درآمده است. شاهراه هائی که به مناطق کوهستانی و دیگر ایالات جنوبی منتهی میشوند؛ تحت نگاهبانی شدید چریک های مسلمان درآمده و راه آمدورفت به مناطق کوهستانی شدیداً کنترل شده است. باید توجه داشت که ساکنین این ایالات عمده قوت روزانه خود را از طریق فعالیت های کشاورزی و فلاحتی بدست آورده، به همین لحاظ حتی در مناطق کوهستانی و سردسیر مسلمین از کاشت غلات متناع نمیورزند و در کنار شاهراهها درختان بی شمار موز و میوه های جنگلی رشد کرده و این درختان مراکزی ایده آل برای استتار مسلمین میباشد. کشاورزان ایالت «کوتاباتو» اکثراً در کلبه هائی زیست و زندگی میکنند که

گرفته است . در شورای اخیر وزیران خارجه ملل مسلمان که در لیبی تشکیل شد درباره فشارهایی که از طرف رژیم مانیل متوجه مسلمین فیلیپین شده تبادل نظر صورت گرفت و ضمن انتقاد شدید از این رویه مقرر شد هیئتی از طرف مسلمانان جهان برای تعیین تکلیف اقلیت مسلمان فیلیپین به مانیل اعزام گردد. . . . (۱)

ادامه دارد

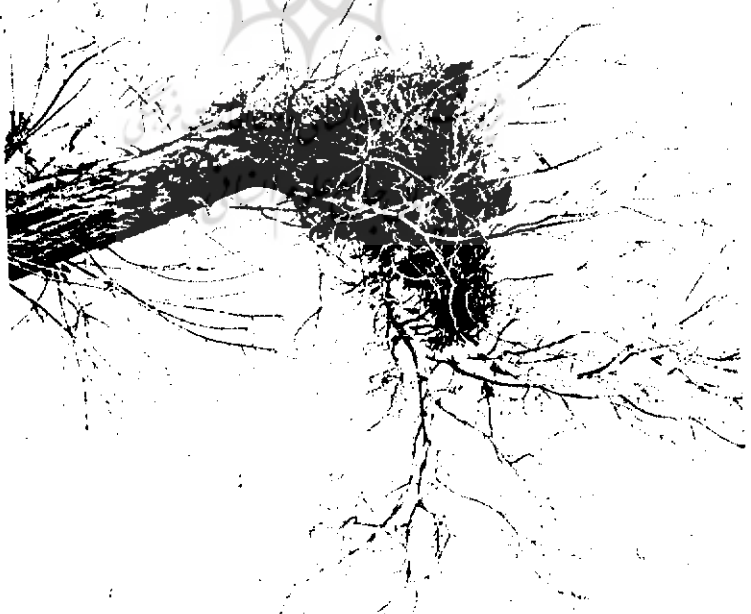
بنابه گزارش های واصله، سربازان فیلیپینی در حال حاضر موفق به کنترل اقدامات خشونت آمیز نمی باشند و بسیاری از سربازان دولتی چنان جوان و بی تجربه میباشند و با لباس های سبز ملبوس شده اند که تشخیص آنها بسیار مشکل است و میتوان گفت مارکوس علاوه بر مشکلات مهمی که از این حیث موجودیت رژیم وی را تهدید میکند، از طرف کشورهای مسلمان گیتی نیز سخت مورد انتقاد قرار

(۱) : ترجمه کامل مقاله نیوزویک در روزنامه پارس چاپ شیراز ، شماره ۳۶۸۵ ص ۸ درج

شده است .

صبر جمیل

جا برمی گوید از امام باقر (ع) پرسیدم منظور از صبر جمیل (که اینهمه در باره اهمیت آن سخن گفته شده) چیست ؟
فرمود: **ذَلِكَ الصَّبْرُ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ**: آن صبری است که در آن شکایت به مردم نباشد (و انسان در برابر حوادث همچون کوه مقاومت کند و زبان به شکایت نکشاید و با نیروی ایمان و یقین بر آنها پیروز گردد) .



هر دو هم دروند : یکی آشیانه بر بالای درخت ساخته و دیگری انسان

مجرد همس فضاست که از شدت گرمی سنگی به شاخه های برهنه چسبیده شاید برگی

برای سدجوع پیدا کند !

سیری در مطبوعات

سال ۱۹۷۳

خطرناکترین سال جنسی در انگلستان اعلام شد



در طی یکسال گذشته تنها نیم میلیون کودک
دبستانی در انگلستان تحت درمان بیماریهای مقاربتی
قرار گرفته اند .

در ماه گذشته «سر جرج گادبر» وزیر بهداشتی دولت انگلیس ضمن ارائه آمار وحشت انگیزی ، سال ۱۹۷۳ م را خطرناکترین سال جنسی انگلیس نامید . این آمار آنقدر وحشتناک و نگران کننده است که روزنامه‌های سرشناس انگلیس را وادار ساخت برای نخستین بار به انتقاد از اجتماع انگلیس بپردازند تا شاید بتوانند خانواده‌های انگلیسی را متوجه بی بندوباری جوانهایشان بکنند .
«سر جرج گادبر» در گزارش خود گفت :

- از عمر سال ۱۹۷۳ هنوز یک ماه بیشتر نمی گذرد اما سال ۷۳ را باید خطرناکترین سال جنسی انگلیس بنامم . در طی یکسال گذشته نیم میلیون کودک دبستانی و افراد کمتر از پانزده سال در انگلیس تحت درمان سوزاک قرار گرفته اند .

دخترهای انگلیسی از چهارده سالگی قرص ضد حاملگی میخورند و این قرص که به صورت قاچاق به دختران کمتر از ۱۸ سال فروخته می شود ، بازار سیاه پر رونقی دارد هر سال به تعداد دختران و پسران مبتلا به سوزاک اضافه می شود و هر سال تعداد بیشتری کودکان بی دست و پا و ناقص الخلقه متولد می شوند ، کودکانی که عقل سالمی ندارند و بدون سر - پرست و در اوج کثافات رشد می کنند ، حاصل چنین کودکانی افزایش جنایت و وحشت در انگلستان است . «سر جرج گادبر» در پایان سخنان خود افزود :

«من برای انگلیس نگرانم ... روز بعد روزنامه ها آمار دردناک بیشتری را منتشر ساختند بطوری که در روزنامه «سان» نقل شده: گزارش کابینک هسای جراحی زنان در لندن نشان میدهد که هفته‌ای پنجاه دختر کمتر از ۱۴ ساله سقط‌جنین می‌کنند. البته این آمار سطحی است و خدا میداند که هر هفته چه سقط‌جنین انجام میشود که ۵۰ تا آن قانونی است ...»

«نقل از جرائد»

مکتب اسلام:

ما ضمن اعتذار از خوانندگان عزیز از نقل چنین فجایعی که نشانه به لجن فرو رفتن اجتماعات غربی و فنا و نابودی حتمی آنها در آینده است، به فیلم سازان، ارباب جرائد و مطبوعاتی که تنها هنرشان عرضه کردن سکس است هشدار می‌دهیم: شمارا به هر چیز که برایتان مقدس است سوگند می‌دهیم بیائید تادیر نشده دست از این دنباله روی غلط از فجایع غرب است بردارید، بیائید در روشی که سر انجامش انحطاط و سپس انقراض نسل ایرانی است تجدید نظر کنید، اینهمه بادامن زدن به آتش غریزه جنسی جوانان فساد بیار آوردید بس است، آبا پدران و مادران و جوانان نیز بیدار خواهند شد؟

خون اسرائیل رنگین تر است!؟

در سرمقاله «ساندی تایمز» چنین آمده است:

اگر يك هواپیمای مسافربر اسرائیلی بر اثر کم کردن تصادفی راه خود تا چند مایلی داخل خاک لیبی هدف آتشبارهای آن کشور با نیروی هوایی لیبی قرار گرفته بود. طغیان افکار عمومی و اعتراض جهانی به این مسئله بهمان میزان واقعه مونیخ بود که برای ورزشکاران اسرائیلی اتفاق افتاد.

اما در برابر سرنگون کردن يك هواپیمای مسافربر لیبی که در بیابان سینا صورت گرفت و ۱۰۹ نفر کشته شدند، عکس‌العمل جهانی مخصوصاً در غرب بسیار سرد، ملایم، و در عین حال گذرنده بود. از این رو این سؤال برای هر کسی پیش می‌آید که چرا اینطور است؟

مکتب اسلام

عکس‌العملی که دنیا از حکومت اسرائیل در برابر این فاجعه انتظار داشت در هیچیک از شرائط و موارد فوق تطبیق نمیکنند و ذرای آن کشور بصورت ظاهر، مراتب تأسف رسمی خود را از قربانی شدن دهها مسافر بیگناه ابراز داشته‌اند، اما در برابر مسئولیت مصیبت بار خلبانانشان که با بی رحمی خود هواپیمای بی‌دفاع مسافری لیبی را سرنگون کردند کمترین کلام حاکی از پشیمانی و ندامت به چشم نمیخورد.

رویه گرفته ۱۰۹ مسافر بیگناه بقتل رسیده‌اند، ولی ژنرال دایان وزیر دفاع اسرائیل چنان حرف میزند که پنداری این واقعه هم یکی دیگر از نشانه‌های قهرمانی گری ملی است که در ده هتل سلطان داود شروع شده است!

او میگوید خلبانان در سرنگون کردن این هواپیما دکاملاً محق بوده‌اند. در پشت چنین طرز تفکری فرضیه‌ای وجود دارد که اسرائیل وصهیو نیست‌های جهان پیوسته بدان معتقد بودند و آنهم اینست که بخاطر آرمانی که اسرائیل پیروی میکند هر عملی انجام دهد دینا باید از آن صرف‌نظر نماید!

در سایر نقاط عالم غیر از اسرائیل پاره‌ای از اصول اخلاقی بطور کامل یا بدوی مورد قبول است. هر چند که ضامن اجرایی نداشته باشد.

اعراب را باید پیوسته محکوم کرد و علاقه مشروع و قانونی آنها را به سر نوشت **آوارگان فلسطینی** نادیده گرفت. اما هر کاری که اسرائیل میکند باید محترم شمرده شود. چون اسرائیل میگوید برای بقای خود مبارزه میکند! از همه اینها گذشته اسرائیل از جمله مشتریهای امریکا و کشورهای غربی اروپاست!...

* * *

برای دولتهای غربی اکنون زمان آن فرا رسیده که بیش از هر دوره دیگری این نکته را روشن کنند که هر تصور باطل اسرائیل دیگر مورد حمایت آنها نیست. انهدام هواپیمای مسافربری لیبی، همچنانکه انگلستان پیشنهاد کرده می‌بایست بوسیله یک گروه بیطرف بین‌المللی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته باشد، اما در عین حال این نکته هم باید روشن شود که غرب تا چه حد آماده آنست که تجاوزات اسرائیل را به بهای تمویق صلح خاور میانه همچنان تحمل نماید؟

این حقیقت که این تروریسم هوایی بر فراز بیابان سینا، نه بر اثر اقدامات کوماندوها، بلکه بدست نیروهای یک دولت صورت گرفته، به هیچوجه نمیتواند قابل توجیه باشد، بلکه برعکس، این عمل اسرائیل چون از ناحیه نیروهای دولتی رسمی

صورت گرفته که خود تا دیروز از تروریسم هوایی! شکایت داشتند! بدرجات بیش از اقدامات کوماندوئی، قوانین و مقررات بین‌المللی را زیر پا نهاده است ..

تلخیص از «کیهان» شماره - ۸۸۹۰

آیا این حقایق

چشم‌مار ا باز خواهد کرد؟

در مدت کوتاهی ارتکاب قتل و آدمکشی در انگلستان ۱۷ برابر شده است

در مشرق زمین کسان بسیاری هستند که ترقیات مادی ملت‌های غربی چشم آن‌ها را خیره ساخته و غالباً از گزارش‌های مربوط بزشتیها و نارواییهای غرب چشم‌پوشی میکنند. آندسته از کشورهای غربی که در اوج ترقی مادی هستند در بسیاری از جهات، جزء منحنی ترین ملت‌های جهانند. اخیراً اداره آمار دوات انگلیس راجع به «گرایش‌های اجتماعی» بین سال‌های ۷۱ - ۱۹۶۱ یعنی ده سال اخیر در انگلستان گزارشی منتشر کرده است. این گزارش می‌تواند عامل بسیار مهمی برای باز کردن چشم کسانی باشد که کور کورانه به دنبال غرب در حرکتند.

مطابق این آمار مواردیکه تجاوزهای خشن و زشتی صورت گرفته، از جمله قتل از ۱۲۳۰۴ مورد در سال ۱۹۶۱ به ۲۹۸۷۲ مورد در سال ۱۹۷۱ رسیده و این عدد در سال ۱۹۳۸ فقط ۱۷۰۶ بوده است (یعنی اکنون بیش از ۱۷ برابر شده است) از دواجهائیکه منتهی بطلاق شده در سال ۱۹۶۱ - فقط ۱۵۰۰۰ فقره بوده و در ۱۹۷۱ بعدد ۷۷۰۰۰ رسیده است (یعنی بیش از پنج برابر)

این نکته قابل توجه است که این پدیده افزایش عدد طلاق، در انگلستان بر اثر اصلاحات قانونی که راجع به مسئله طلاق بعمل آمده صورت گرفته است!!!

ترجمه از نشریه «ردینس» چاپ دهلی نو

جهشی می باید...



قاسم قائدی (کیمیا)

از اهواز

جهشی «تندر» ساکه زسرچشمه ایمان قوی برخیزد
گوش برزمزمه «دست بیان» بنماید
سخن رو بهبکان را که تزویر و عناد است به هیچ انگارد
تیرس؛ -

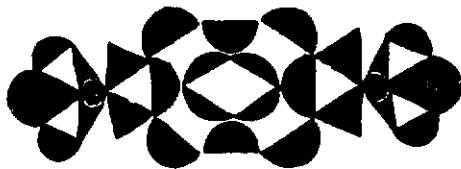
آن دشمن «خونخوار روان» را بکند سر کوبش
پرچم حق و حقیقت بسردست، علم بنماید
خاروخس را از طریق خود و یاران جوان بزداید
جمله آوای حقیقت بجهان سر بدهند
دست دردست هم و پشت بدیگر بکنند ،
ریشه ظلم و جفا را از بن خاک بر آرند برون
بکنند آتش و بر باد دهند خاکش را
نی که دائم بنشینند و با امید کسان صبر کنند
قلبها سردشود ، روح کسل گردد و پزمرده روان
آری! آری جهشی میباید!
جهشی سخت بسان تندر!



تابکی گوشه عزلت بنشینیم غمین
دست غم بر سر زانو بنزیم
داد و بیداد
که برماستم و ظلم فراوان کردند ،
بزبانها آریم
تابکی ما نگران بر سردست دگران
بدل افسوس و به لب آه که وای !...
کاروان رفت و بسر منزل مقصود رسید ،
لیک ما اول راهیم هنوز ؛
جنگ اندر سر یک قافله سالار کنیم
تابکی همچو علیلان بنشینیم و دهیم
گوش بر مهمل هر ناکس و کس ؟
جهشی میباید .

* * *

جهشی تند و قوی همچون رعد
جهشی صاعقه مانند ؛ که تأثیر و نفوذش ،
بدل خاک اثر بنماید



مزارع و فروشگاه‌هایی هستند؛ و مردمی هستند سالم
و قانون شناس و از لحاظ درستکاری و ترقیخواهی
شهرت دارند.

(جهان اسلام - کراچی)

قرآن بزبان ژاپنی

سال گذشته انجمن اتحادیه مسلمانان ژاپن
ترجمه قرآن کریم بزبان ژاپنی را با جلد زرین و
صحافی تمیز توزیع کرد. آقای «عمر متیا» مدت سه
سال برای ترجمه درمکه معظمه وقت صرف نموده
است، انجمن در نظر دارد ترجمه ژاپنی قرآن را
مجدداً منتشر نماید و نیز برای نشر مجله ماهانه بزبان
ژاپنی و خلاصه آنرا بزبان انگلیسی شروع بعمل
کرده است.

۲- بزرگترین مرکز تحقیق و تجسس جهان در
زمینه بررسیهای اسلامی خاورمیانه در عمارت دانشگاه
«دو هام» گشایش خواهد یافت قسمتی از امور مالی
این مرکز را کویت می‌پردازد و تاکنون تعداد
بیست هزار نسخه کتاب در این مرکز جمع آوری
شده است.

از مطبوعات عربستان سعودی

صدمین سال تولد اقبال

آکادمی اقبال حیدرآباد (هند) تصمیم گرفته
است در هفته دوم ماه «می» امسال جشن صدمین سال
ولادت اقبال را برگزار نماید آکادمی پیشنهاد کرده
است تا آنروز مقالات تحقیقی در زمینه افکار اقبال
نوشته شود و جوانان به مطالعه آثار اقبال تشویق
شوند،
(از هفته نامه اسلامی «ردینس» چاپ دهلی نو)

مسلمانان در آمریکای شمالی

مطابق مندرجات مجله «واکسپرس» فرانسوی
عده زیادی از آمریکائیاها مسلمان می‌شوند. مسلمانان
شهر «شییکاگو» توانسته‌اند برای خود بانکی
افتتاح کنند و در شهر «نیویورک» چندین مدرسه
خصوصی و همچنین فروشگاهی برای نوآموزان
مسلمان دایر کرده‌اند. مسلمانان آمریکا دارای

توطئه‌های ضد اسلامی

آقای «دکتر اشتیاق حسین قرشی» نایب رئیس سابق دانشگاه کراچی هنگام برگزاری جشن سالیانه استقلال سوریه در مجمع دانشجویان سوریه روز هفدهم آوریل چنین گفت :

«مسلمانان سراسر جهان هدف توطئه صهیونیسم شده‌اند و اضافه نمود که جهود در تجزیه دپاکستان نقش مهمی را ایفا کرد . اتحاد مسلمانان جهان همیشه در چشم جهودها بمنزله خاری بوده است و آنها هیچوقت از توطئه بر ضد مسلمانان جهان خودداری نکرده‌اند . دکتر قرشی در سفر اخیر خود به انگلستان با درک اینکه فقط معدودی از جوانها به خطری که امروز جهان اسلام به آن دچار شده توجه دارند ، اظهار تأسف کرد و گفت : آنچه امروز در فلسطین و فیلیپین روی می‌دهد و آنچه در شبه قاره هندوپاکستان) اخیراً روی داد قسمتی است از یک توطئه و مسلمانان باید در فکر علاج باشند و این تهدید را رفع کنند .

از مجله «جهان اسلام» چاپ کراچی

مسلمانان اطریش

اطریش - تعداد مسلمانان مقیم اطریش بالغ بر سی هزار نفر شده و مسلمانان طی گزارشی از دولت اطریش خواسته‌اند که موجودیت آنان را برسمیت

بشناسد ، تا به کوششهای اسلامی خود آزادانه اقدام کنند .

از مجله «حضارة الاسلام»

چاپ دمشق

مبارزه با غربزدگی

برای کسانی که درزنگبار بالباسهای نامناسب و موی بلند دیده شوند (مجازات لاقول ۶ماه زندان) معین شده است این کیفر در مورد توریستها نیز جاری است . این موضوع طی اعلامیه‌ای : به اطلاع عموم رسید .

در این اعلامیه اظهار شده است که مدت زیادی است دولت با کمال تأسف شاهد بدتر شدن وضع تقلید جوانان از مدهای نامناسبی از کشورهایی که هیچ نسبتی با فرهنگ و سنن منطقه ندارند و باعث خجالت و رسوائی ملت شده‌اند بوده است . در مورد زنان پوشیدن لباسی که زانوها را چه در حالت ایستاده و چه نشسته در معرض دید قرار دهد ، غیر قانونی اعلام شده . لباسها نباید در پهلو ، یا عقب و سایر قسمتها یعنی از سر زانو تا شانها دارای شکاف باشد ؛ هم چنین از پوشیدن لباسهای تنگ که خم شدن یا دویدن را برایشان مشکل میکند ، منع شده است آنها هم چنین نباید از لباسها و وسائل آرایشی که ایشان را شبیه عروسکها میکند ، استفاده کنند . مردان اجازه ندارند از شلوارهای کوتاه ، ران نما و یا شلوارهای چسبان استفاده نمایند ، موهای بلند مشابه هیپیها نیز ممنوع است .

«خبر گزاریها»

بسوی ناخود زرفته است ، اگر خود آگاه می بود و به غایت خویش شاعر می بود احساس از خود بیگانگی نمی کرد اینست که عشق به کمال واقعی عشق به خود بر تراست و عشق ممدوح خود خواهی ممدوح است شیخ اشراق رباعی لطیفی دارد می گوید :

هان تا سر رشته خرد گم نکنی

خود را ز برای نیک و بد گم نکنی

رهر و توئی و راه توئی منزل تو

هشدار که راه خود به خود گم نکنی

پس از این مقدمات اجمالی توانیم حدس بزنیم که میان خواستن خدا حرکت بسوی خدا؛ تعلق و وابستگی به خدا، عشق به خدا، بندگی خدا، تسلیم بخدا با هر خواستن دیگر و حرکت دیگر و وابستگی

دیگر و عشق و بندگی و تسلیم دیگر تفاوت از زمین تا آسمان است، تنها بندگی است که عین آزادی است، تنها تعلق و وابستگی است که توقف و انجام نیست؛ تنها غیر پرستی است که از خود بیخود شدن و با خود بیگانه شدن نیست. چرا؟ زیرا او کمال هر موجودی است، مقصد و مقصود فطری همه موجودات است و ان الی ربك المنتهی، اکنون به نقطه ای رسیده ایم که میتوانیم بیان قرآن را در زمینه اینکه فراموشی خدا فراموشی خود است ، باختن خدا باختن همه چیز است ، بریدن با خدا سقوط مطلق است توضیح دهیم .

در شماره آینده بخواست خدا این مطلب را توضیح می دهیم .

ایمان و مسؤولیت

پیغمبر اکرم (ص) میفرماید :

انسان با ایمان همچون کفه های ترازوست هر قدر بر ایمان او افزوده شود

بر مشکلات و مسؤولیت او افزوده می گردد .

و از کتاب کافی